

Legal and Social Effects of Iran's Accession to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities in the Domestic Legal System

Komeil Pour Ziaei¹, Tara GHaffari Nik²

اثرات حقوقی و اجتماعی الحاق ایران به کنوانسیون حقوق معلولین از منظر حقوق داخلی

کمیل پورضیائی^۱، تارا غفاری نیک^۲

1 - Assistant Professor, Department of International Law, Islamic Azad University, Damavand Branch
2 - Master of International Law, Islamic Azad University, Damavand Branch (Corresponding Author)
niktara155@gmail.com

^۱- استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند
^۲- کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند (نویسنده مسئول)
niktara155@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0001-9491-0483>

Abstract

Disability is a phenomenon that every single human being may experience it in their life time; the ones with disabilities want their basic rights, and they cannot enjoy their real rights unless being provided by special and specific protections. In this regard, the United Nations has been working since 1975 to protect the rights of persons with disabilities. The most important step in 2006 was the ratification of the Rights of Persons with Disabilities and its Additional Protocol, to which a large number of countries have joined; The present study tries to investigate the legal and social effects of Iran's accession to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities by descriptive and analytical methods, and evaluate Iran's adherence to its commitments in this area, And the main concerns of this research is: what problem and obstacles disables are facing people? And what steps Iran has took in regards of the equality of their rights in law and urban adaption after joining to this particular Convention for these minority of society? The research hypothesis explains that contrary to the verity of laws that exist in the field of necessity and obligation of adaptation, less practical and executive actions are taken by the relevant agencies in this field. Iran is one of the forty countries that has adopted a comprehensive law in order to protect the rights of people with disabilities, but unfortunately, this law has not been implemented yet due to the lack of an executive guarantee. The present study is applied in terms of purpose, is practical and its contents have been analyzed and compiled in a library method using books and articles written and translated.

Keywords: Disabled, Rights, Convention, Enforcement Guarantee, Protection.

چکیده

معلولیت پدیده‌ای می‌باشد که هر انسانی ممکن است در طول زندگی خویش به آن دچار گردد؛ معلولین خواهان حقوق ابتدائی خود می‌باشند و جز در سایه حمایت‌های ویژه و خاص نمی‌توانند به حقوق واقعی خویش نائل گردند در همین راستا سازمان ملل متحد از سال ۱۹۷۵ اقداماتی در جهت حمایت از حقوق معلولین آغاز کرده است که مهم‌ترین اقدام آن در سال ۲۰۰۶، تصویب حقوق معلولان و پروتکل الحاقی آن بود که تعداد زیادی از کشورها به آن ملحق شده‌اند؛ پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی اثرات حقوقی و اجتماعی الحاق ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ و میزان پایبندی ایران به تعهدات خود در این زمینه بپردازد و پرسش تحقیق این است چه مشکلات و چه موانعی بر سر راه افراد معلول وجود دارد و ایران بعد از پیوستن به این کنوانسیون چه اقداماتی برای این قشر ضعیف در خصوص برابری حقوق آنان در مقابل قانون و یا مناسب سازی شهری انجام داده است؟ فرضیه تحقیق این است که برخلاف قوانین متعددی که در زمینه ضرورت و الزام مناسب سازی وجود دارد کمتر شاهد اقدام‌های عملی و اجرایی دستگاه‌های مربوطه در این زمینه هستیم و جزء چهل کشوری است که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان را دارد، اما متأسفانه تاکنون این قانون به دلیل نداشتن ضمانت اجرایی، عملیاتی نشده است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از کتب و مقالات تالیفی و ترجمه‌ای تحلیل و تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی: معلولین، حقوق، کنوانسیون، ضمانت اجرا، حمایت.

Received: 2019/09/24

Review: 2020/06/15

Accepted: 2020/09/12

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲ - بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴ - پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

مقدمه

از دیرباز مفاهیمی همچون کم‌توانی و معلولیت وجود داشته و در هر دوره‌ای نگاه جوامع نسبت به این مفاهیم متفاوت بوده است. در گذشته با دیدی ترحم‌آمیز به آنان نگریده می‌شد و نگرشی مبنی بر منزوی ساختن افراد معلول همین‌طور نیازی به فعالیت اجتماعی افراد معلول احساس نمی‌شده تا با توجه به نیاز آن‌ها فضاهایی مناسب این قشر طراحی شود البته هنوز هم در بعضی جوامع افراد دچار کم‌توانی یا ناتوانی از انگ‌های گوناگون و نابرابری در دستیابی به فرصت‌های اقتصادی رنج می‌برند اما در دهه‌های اخیر سعی بر آن شده تا این دیدگاه‌ها را تا حدودی تغییر دهند و خود معلولین هم دیگر دیدگاه‌های قدیمی را قبول ندارند و به عرصه جامعه گام نهاده‌اند. منشور ملل متحد به عنوان سند تاسیس سازمان ملل، در مقدمه خود با اعلام مجدد ایمان به حقوق اساسی بشر و حیثیت و ارزش شخصیت انسانی به واقع آرمان اصلی خود را بشر و ارتقای منزلت او قرار داده. در واقع جامعه بین‌الملل موظف است نیاز معلولان به حقوق برابر را به رسمیت بشناسد و از آنان حمایت کند، ضمن این‌که با توجه به ناتوانی‌های ایشان در به دست آوردن حقوق خود، حمایت‌های ویژه‌ای را نیز برای آنان در نظر بگیرد؛ یقیناً معلولان همانند سایر افراد انسانی از کلیه حقوق و آزادی‌های اساسی که در اسناد بین‌المللی و داخلی به آن‌ها اشاره شده، بهره مند هستند. در میان کشورهای منطقه خاورمیانه، از جمله ایران در اثر بلایای طبیعی و جنگ‌های خانمان سوز، شمار زیادی از معلولان و جانبازان را در خود جای داده‌اند این خود دلیلی بر تدوین قانونی جامع و کامل برای حمایت از این قشر است. در سال‌های اخیر ایران نیز همچون بسیاری از کشورها شاهد تحولاتی در خصوص حمایت از حقوق معلولان بوده است. در حال حاضر اگر چه سازمان‌ها و نهادهای توانبخشی، در ایران وجود دارند اما کمک به معلولان، مسئله‌ای فردی و سلیقه‌ای است. یعنی ممکن است عده‌ای به آن‌ها کمک بکنند و عده‌ای هم باشند که به دلیل اعتقادات سنتی که هنوز هم وجود دارند فرزند معلول شان را از چشم مردم پنهان کنند. تایید و پذیرش معلولان در جامعه امری زمان‌بر و طولانی مدت است. برای اصلاح این تفکرات نیاز به تلاش مستمر و پی‌گیر است. مطالعه این موضوع از این جهت مهم می‌نماید که مواجه شدن با افزایش روزافزون میزان ناتوانی و نیز رقم مطلق افراد دارای ناتوانی، ابعاد انسانی این پدیده در کشورهای در حال توسعه بسیار وسیع‌تر از آن چه تصور می‌شود، می‌باشد که به دلیل کمبود آگاهی یا عدم آگاهی از روش‌های پیشگیری معلولیت و نبود امکانات کافی و یا حتی بلایای طبیعی بیشترین تعداد معلولین را در خود جای داده است. طبق آماري که صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) ارائه داده است؛ هشتاد درصد مردم در جهان که نوعی ناتوانی جسمی دارند، در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند و از جهتی دیگر تبعیض و نابرابری است که متأسفانه معلولان به خاطر شرایط و موقعیتی که دارند از استیفای کامل حقوق خود به صورتی برابر با سایر افراد جامعه محروم بوده‌اند در حالی که یکی از اصول و حقوق بنیادین

و از ستون‌های اصلی نظام حقوق بشر، اصل عدم تبعیض میان کلیه افراد است. بنابراین شرایط موجود ایجاب می‌کند نخست به بررسی اثرات حقوقی و سپس اثرات اجتماعی الحاق ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ پرداخته شود.

این مقاله در مورد اثرات حقوقی و اجتماعی الحاق ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ می‌باشد؛ در ابتدا اشاره ای به پیشینه معلولیت داریم و در ادامه به تبیین معلولیت می‌پردازیم و در مورد برخورداری از حمایت برابر قانونی صحبت خواهد شد که نمونه‌ای از اثرات حقوقی ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ می‌باشد؛ در این بخش به اهمیت حمایت قانونی از معلولین می‌پردازیم و همچنین از اهمیت حمایت قضائی حقوق معلولان بحث خواهد شد و به دنبال اثرات اجتماعی الحاق ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ در نظام داخلی کشورمان می‌باشیم که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات معلولین است و آن مناسب سازی شهری در جهت رفاه حال معلولین است که در این بخش سعی بر آن است که اشاره‌ای به اقدامات برخی از کشورها در جهت مناسب سازی شهری کنیم تا بیشتر متوجه کم و کاستی‌هایی که در حق معلولین به خصوص حقوق اجتماعی آن‌ها که مهم‌ترین آن مناسب سازی شهری و رفع موانع است باشیم و در آخر اقدامات ایران را در این زمینه بررسی خواهیم کرد.

۱- پیشینه معلولیت

کم‌توانی و معلولیت از مفاهیمی هستند که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر مقطعی از تاریخ رویکرد جامعه نسبت به این مفاهیم متفاوت بوده است. گاه همچون جوامع بدوی افراد معلول در بدو تولد نابود می‌شدند، تا از سربار شدن این افراد جلوگیری شود و گاه با دیدی ترحم‌آمیز به آنان نگریده شده و معلولین به افرادی شایسته ترحم و صدقه بگیر، بدل شده‌اند (توسلی نائینی و کویار، ۱۳۸۷، ۵۲).

۱-۱- مصر باستان

در جوامع باستانی حتی در تمدن‌های کهن مانند یونان و روم شرایط مطلوبی برای زندگی معلولان وجود نداشت. لیکن مصریان کهن نسبت به سایر اقوام، در برابر معلولیت و معلولان برخورد مساعدتری داشتند، آن‌ها نه تنها برای درمان معلولان اقدام می‌کردند بلکه رفاه شخصی و موقعیت اجتماعی آنان را مدنظر قرار می‌دادند، تا جایی که بیشتر شاعران و نوازندگان مصر باستان از گروه نابینایان بودند.

۱-۲- روم باستان

هیچ معلولی از حمایت عمومی و خدمات درمانی به شکل امروزی بهره‌مند نبود. چنین خدماتی را تنها می‌شد از خانواده انتظار داشت. گاهی قیصر روم برای افزایش محبوبیت‌اش کیسه‌های کوچک پول به توانخواهان می‌داد. چگونگی وضعیت انسان‌های معلول در آن دوران به جایگاه اجتماعی و وضعیت اقتصادی خانواده بستگی داشت. مرد یا زن بودن فرد هم بی‌تأثیر نبود. کودکان معلول یا بیمار اغلب به

قتل رسیده یا رها می‌شدند، زنان بیمار از جمع خانواده حذف می‌شدند. کلودیوس، علیرغم معلولیت جسمی و لکنت زبان طی سال‌های ۴۱ تا ۵۴ میلادی در مقام قیصر روم فرمانروایی کرد. با این وجود او هم آماج تمسخر و تحقیر بود.

۱-۳- قرن بیست و یکم

جامعه بین‌المللی جهت حمایت از معلولین در سال ۲۰۰۶، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت را که با هدف افزایش حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد معلول و ارتقاء احترام نسبت به منزلت ذاتی آن‌ها شکل گرفت را تصویب نمود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ۳۷۳). تصویب کنوانسیون نتیجه پنج سال مذاکرات بود، گرچه پیشنهادات برای چنین سندی به ربع قرن پیش باز می‌گردد؛ هشتاد و یک دولت و اتحادیه اروپا کنوانسیون را در مراسم افتتاحیه آن در روز ۳۰ مارس ۲۰۰۷ امضاء کردند که شمار امضاءکنندگان در مراسم افتتاحیه بیشترین تعدادی است که برای یک معاهده حقوق بشری ثبت شده است. همچنین چهل و چهار دولت پروتکل اختیاری را امضاء کردند. تا پایان ماه مه ۲۰۱۰، یکصد و چهل و چهار کشور کنوانسیون را امضاء کردند و هشتاد و شش کشور آن را تصویب کرده‌اند و هشتاد و هشت کشور پروتکل اختیاری را امضاء و پنجاه و سه کشور آن را تصویب کردند. کنوانسیون سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب نزد دبیرکل در سوم مه ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد. پروتکل اختیاری آن سی روز پس از تودیع دهمین سند تصویب لازم‌الاجرا شد (جانقریان، ۱۳۸۹، ۵۷).

۲- مفهوم معلولیت

۱-۲- سازمان جهانی بهداشت

طبق آخرین تعریفی که سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۸۱ درباره مفهوم معلولیت ارائه نموده است؛ معلولیت عبارت از مجموعه‌ای از عوامل جسمی، ذهنی، اجتماعی یا ترکیبی از آن‌ها است که به نحوی در زندگی فرد، اثری سوء بر جای گذارد و مانع ادامه زندگی وی به صورت طبیعی باشد.

۲-۲- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶

تبصره ماده یک کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶، افراد دارای معلولیت را چنین تعریف می‌کند: افراد معلول، اشخاصی را که دارای آسیب‌دیدگی‌های طولانی مدت جسمی، ذهنی، فکری و یا حسی هستند و تعامل‌شان با موانع مختلف، از نظر مشارکت کامل و مؤثر، بر اساس اصول مساوی با دیگران، ممکن است مشکل‌آفرین باشد، شامل می‌شوند.

۲-۳- قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳

تبصره ماده یک قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، نیز از افراد دارای معلولیت را به شرح زیر تعریف می‌نماید: منظور از معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌شود که به تشخیص کمیسیون پزشکی

سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه سمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد شود، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.

۳- برخورداری از حمایت برابر قانونی

برابری در برابر قانون یا برابری قانونی اصلی است که بر اساس آن همه مردم تابع قوانین یکسانی هستند.^۱ اصل هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد که «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند.» همچنین طبق ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ کشورهای عضو تأکید می‌کنند که افراد معلول از حق شناسایی در پیشگاه قانون برخوردار هستند (بند ۱). کشورهای عضو هم‌چنین باید اقدامات لازم را در جهت تأمین دسترسی افراد معلول به حمایت‌هایی که در احقاق مزایای حقوقی خود به آن نیازمند هستند، به عمل آورند (بند ۳). در بند ۵ می‌گوید: کشورهای عضو باید کلیه اقدامات لازم و کافی را به منظور تضمین حقوق برابر معلولان در مالکیت، ارث، کنترل منابع پولی، بهره‌های بانکی و سایر اشکال اعتبارات مالی بر پایه برابری با دیگران به عمل آورند. کنوانسیون در ماده ۱۳ به حق دسترسی ثمربخش به محاکم برای افراد معلول، به میزان برابر با سایرین اشاره می‌کند (توسلی نائینی و کاویار، ۱۳۸۷، ۷۶). دولت جمهوری اسلامی ایران همانند بسیاری از کشورها اقداماتی به منظور حمایت از معلولین انجام داده است. تصویب قانون جامع حمایت از معلولین در سال ۱۳۸۳ و الحاق به کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول در سال ۲۰۰۹ در همین راستا مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. تدوین مقررات ملی و بین‌المللی در جهت حمایت از حقوق معلولین نشان دهنده تغییر اساسی در رویکرد سنتی نسبت به معلولین می‌باشد. به منظور حمایت از حقوق معلولین علاوه بر تدوین مقررات، نهادهایی نیز در حقوق داخلی کشورها پیش‌بینی شده تا رعایت مؤثر حقوق مزبور را تضمین کنند. برای مثال قانون مجازات فرانسه در فصل پنجم خود زیر عنوان تعرض به کرامت اشخاص، موضوع تبعیض علیه معلولین را لحاظ کرده است. ماده ۲۲۵-۱۱ این قانون مقرر می‌دارد: «هر گونه تمایز میان اشخاص حقیقی به دلیل اصل و نسب، جنس، [...] وضعیت سلامت، معلولیت [...] تعیین شده جرم تبعیض را تشکیل می‌دهد (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰، ۳۰۹ و ۳۱۲).

۳-۱- اهمیت حمایت قانونی از معلولین

جامعه، قانون و ساختارهای اجتماعی و قضائی به عنوان نهادها و ابزارهایی هستند که همواره بنا به مقتضیات افراد جامعه و افشار مختلف نیازمند تغییر و تحول می‌باشند، به گونه‌ای که بتوانند شرایط زندگی را برای تمامی افشار و گروه‌ها به یک نسبت با ثبات و ارتقا دهند. به عبارتی، جامعه‌ای که در آن تمامی افراد اعم از افراد سالم و افراد و معلول بتوانند با تکیه بر شرایط موجود در جامعه از جنبه‌های مختلف، شرایط یکسان و امیدوارکننده‌ای داشته باشند، یک جامعه ایده آل خواهد بود. دستیابی به حقوق مساوی در شرایط آرمانی فراهم می‌شود، بنابراین، همواره حقوق افراد با چالش روبرو بوده و عواملی چون عدم جامعیت قانون، بی‌اطلاعی اغلب افراد از حقوق واقعی خود، عدم توانایی در دفاع از حقوق خود و مواردی از این قبیل در جوامع وجود دارد که افراد معلول به دلیل این که جزء ناتوان‌ترین افراد جامعه می‌باشند، بیشترین آسیب‌پذیری را از جنبه دستیابی به حقوق خود دارند، از این رو، نهادهای حمایتی و قضائی که فلسفه وجودی خود را در دفاع از حقوق افراد تحت ظلم قرار گرفته می‌دانند، همواره در جهت دستیابی به کارایی بالا، پاسخ‌گو بوده‌اند، این نهادها از جنبه‌هایی توسعه پیدا کرده‌اند که همواره بیش‌ترین اولویت را از دید قانون‌گذاران و نهادهای بین‌المللی داشته‌اند (شفیعی و شفیع، ۱۳۹۵، ۹۸).

زمانی که فرد معلول، بزه‌دیده جرایم است مورد نظر ماست. در هر حال دستگاه قضایی باید نسبت به نقض مقررات از خود واکنش نشان دهد و با مرتکبین اعمال مجرمانه مبارزه کند. همان‌طور که در بالا ذکر شد به طور کلی معلولین به جهت موقعیت و ناتوانی جسمی یا روحی همانند سایر افراد قادر به مقابله به جرایم ارتكابی نسبت به آن‌ها نیستند. بی‌تردید با وقوع جرم و در پی آن یعنی از بدو طرح شکایت تا پایان دادرسی و صدور و اجرای حکم، معلولین با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند و بدین جهت اتخاذ تدابیر مناسب مهم می‌نماید. در وهله اول باید تلاش کرد تا اقدامات پیشگیرانه جهت در معرض قرار نگرفتن آن‌ها و یا به حداقل رساندن آن صورت پذیرد (رمضانی قوام آبادی، ۳۳۵، ۱۳۹۰).

نکته‌ای که باید به آن توجه شود، توجه به آسیب‌پذیری افراد معلول می‌باشد. «آسیب‌پذیری عبارت است از یک سری شرایط و فرآیندهای ناشی از عوامل فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی که قابلیت و استعداد یک جامعه را در تاثیرپذیری از خطرات افزایش می‌دهد.» بنابراین، آسیب‌پذیری و دایره شمول آن بسیار وسیع است و می‌توان در یک نگاه وسیع و بر اساس الگوهای متفاوت آن، افرادی مانند اطفال، پیران، زنان، فقرا، بیماران مزمن، ناتوانان جسمی و ذهنی، اقلیت‌های قومی و نژادی و ... را افرادی آسیب‌پذیر فرض کرد. شناخت ویژگی‌های فردی هر یک از گروه‌های فوق نقش به‌سزایی در اهمیت حمایت از آن‌ها دارد (شفیعی و شفیع، ۱۳۹۵، ۱۰۰). افراد کم‌توان به دلیل ناتوانی در کنترل تکنه‌ها و همچنین مشکلاتی در تفکر بلندمدت و عدم توانایی در دستکاری موقعیت‌های آکنده از تنش و هیجان و پیش‌بینی نکردن موقعیت‌ها، درگیر مسائل و رفتارهای کیفری و جزایی می‌شوند. بیشتر آن‌ها قادر به پیش‌بینی عواقب کارهای خود نبوده و قادر به مخالفت با پاسخ‌های هیجانی نیستند. قتل‌های انجام شده

توسط این افراد غالباً بدون طرح و قاعده قبلی و بدون دلهره و یا عصبانیت بوده است. مهارت‌های هوشی پایین و ظرفیت طراحی محدود شده باعث می‌شود که افراد با کم‌توانی ذهنی نسبت به افراد عادی زودتر دستگیر شوند و حتی این افراد احتمالاً آگاهی کمتری دارند که چگونه اتهام‌شان را پنهان کرده و با پلیس برای دستگیر نشدن به توافق برسند. برخی از افراد کم‌توان که گرفتار مراجع قضایی و کیفری می‌شوند دارای مجموعه خصوصیات مشترکی هستند که باعث بالا رفتن احتمال ارتکاب جرایم در آن‌ها می‌شود. از جمله این که تعدادی از این افراد دارای خانواده‌هایی فقیر بوده و از لحاظ اجتماعی در سطح پایینی می‌باشند و در دوران کودکی مورد سوءاستفاده‌های جدی قرار گرفته‌اند. علاوه بر کم‌توانی ذهنی به بیماری‌های روانی دیگری هم دچار بوده‌اند که در همین راستا تاریخچه‌ای از سوءاستفاده‌های شدید دوران کودکی در میان افرادی که محکوم به اعدام شده‌اند وجود دارد. افراد کم‌توان ذهنی بیشتر وقت‌ها قربانی مسائلی می‌شوند که در جریان‌های بزهکارانه و فعالیت‌های جنایی در اختیار افراد باهوش بالاتر قرار گرفته، به صورت ابزاری برای رسیدن به هدف‌های آن‌ها می‌باشند و در این فعالیت‌ها از آن‌ها به عنوان طعمه استفاده می‌شود. در خیلی از موارد جرم و جنایتی که شخص دیگری انجام داده به گردن این افراد می‌افتد. آن‌ها قتل‌ها و دزدی‌هایی را که دیگران مرتکب شده‌اند به گردن می‌گیرند (خوش اندام و میرقادری، ۱۳۸۵، ۷ و ۸).

به طور کلی، پیش‌بینی سازوکار حمایتی از نوع «کیفرانگاری حمایتی» از هر نوع آن‌گویی یکی از اصول اساسی حاکم بر مجازات‌ها یعنی «اصل تناسب جرم و مجازات» است. بر اساس این اصل بایستی میان نوع جرم و شدت و وخامت آن و میزان خسارات وارده به منافع و مصالح عمومی ناشی از آن با مجازات یک نوع هماهنگی و تناسب وجود داشته باشد. لذا در باب لزوم حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، ضرورت‌ها و منافع اجتماعی و فردی ایجاب می‌کند کیفر مرتکبان جرایم علیه اشخاص آسیب‌پذیر در مقایسه با سایر اشخاص شدیدتر و سنگین‌تر باشد. زیرا، در غیر این صورت باعث ترویج نوعی بی‌عدالتی در سطح جامعه و نظام عدالت کیفری خواهد شد. درباره اهمیت این مسئله گفته شده است: «ضمانت اجراهای جزایی به عنوان ابزاری برای کاهش نرخ جرایم و کاهش خطر بزه‌دیدگی ناشی از آماج بالقوه به حساب می‌آیند. لذا، ضمانت اجراهای شدیدتر و سنگین‌تر متضمن آماج آسیب‌پذیری کمتری هستند و چون بر اساس فاکتورهایی مانند سن و جنس، موقعیت برخی گروه‌ها به عنوان آماج جذاب‌تری برای مجرمین هستند، باید به ضمانت اجراهای سنگین‌تر روی آورد. در حقوق ایران، مواردی مانند بند «ج» مواد ۲۰۶ و ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، تبصره ۳ بند «ب» ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری غیرمجاز فعالیت می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ بیانگر به کارگیری سیستم کیفیات مشدده مجازات در حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر می‌باشند.

در اینجا ضرورت دارد با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد در ادامه به توضیح واژگانی بپردازیم که در حیطه مبحث فوق می‌باشد:

۱-۳-۱- معلول بزه دیده

معلول بزه دیده شخصی است که به سبب ابتلا به اختلال جسمی، ذهنی یا روانی به طور انفرادی یا توأمان و عدم امکان درگیری بهنجار با جامعه که ابتدائاً به دلیل توسعه نیافتگی جامعه و سپس محدودیت‌های خود او می‌باشد، تبدیل به آماج‌های مناسبی برای وقوع جرم شده و معمولاً به دلیل این آسیب پذیری مضاعف نسبت به سایر افراد جامعه بزه‌دیده می‌شوند و بالطبع آلام و آسیب‌های ناشی از بزه را هم به طور مضاعف متحمل می‌شوند. مسئله حمایت از بزه دیدگان آسیب پذیر در بطن مضامین و محتوای هر یک از شاخه های علوم جنایی مذکور نهفته است. در حقوق موضوعه ایران، در پاره ای موارد مسئله حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر نیز مورد توجه و پیش بینی مقنن قرار گرفته است (حاجی تبار فیروزجانی، ۱۳۹۰، ۱۴ و ۲۴ و ۲۵).

در بند «ب» ماده ۷ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ چنین آمده است که: «در تمامی اقدامات مربوط به کودکان دارای معلولیت، عالی ترین منافع کودک در اولویت نخست خواهد بود.» با توجه به متن این ماده توجه خاصی به کودک داشته‌اند به این دلیل که کودکان معلول؛ هم به دلیل کودک بودن و هم به دلیل ضعف و ناتوانی قوای جسمانی، آماج‌های مساعدتری برای بزه‌دیده شدن هستند. از این رو لازم است در خصوص این کودکان، از نوعی سیاست تبعیض مثبت، در راستای عدالت پیروی شود تا ضعف‌های ذهنی یا جسمی این افراد باعث خروج این افراد از حمایت‌های کیفری قانون گذار نشود. البته در خصوص کودکان استثنائی ممکن است این فرض نیز مطرح شود که این کودکان مرتکب جرمی شوند. از نظر حقوق کیفری، اگر شخصی از نظر ذهنی به نحوی بوده که در زمان ارتکاب جرم فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، اساساً مسئولیت کیفری ندارد و مجازات نمی‌شود خواه کودک باشد و خواه بالغ.^۱

حال اگر فرد دارای اراده یا قوه تمییز باشد، دارای مسئولیت نیز خواهد بود؛ با این حال از آن جایی که کودکان استثنائی علاوه بر ضعف ذهنی و ادراکی، اساساً صغیر محسوب شده و طبق ماده ۱۴۶ قانون

۱- ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: هر گاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود. شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می‌توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می‌کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تامینی و در غیر این صورت در تایید دستور دادستان، حکم صادر می‌کند. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هر گاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند این امر مانع از آن نیست که هر گاه بنا به تشخیص متخصص بیماری‌های روانی، مرتکب، درمان شده باشد بر حسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تامینی را صادر کند.

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اشخاص نابالغ مسئولیت کیفری ندارند. بنابراین در ارتباط با کودکان استثنائی باید گفت علی‌القاعده این اشخاص فاقد مسئولیت کیفری هستند؛ یعنی حتی در صورتی که این کودکان جرمی علیه شخص دیگری مرتکب شوند هیچ وقت مجازات نخواهند شد (سلطانی کوهبنانی و غلامی، ۱۳۹۷، ۲۶).

۲-۳-۱- جرم انگاری خاص

منظور از جرم انگاری‌های خاص در خصوص بیماران، این است که با وضع قوانینی خاص، جرائمی را که بر علیه این افراد رخ می‌دهد مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد و با این کار، توجه قانون گذار به حمایت کیفری از این اشخاص نمایان شود؛ امری که به آن حساس سازی کیفری گفته شده است. جرم انگاری‌های خاص در خصوص جرائم ارتكابی علیه افراد بیمار از چند جهت حائز اهمیت است: این که این افراد از قدرت دفاعی کم‌تری در مقابل تجاوزات برخوردارند و در صورتی که مورد بزه‌دیدگی قرار گیرند، به نسبت اشخاص عادی، کم‌تر قادر به دفاع از خود هستند. این که چون بسیاری از این افراد قادر به تکلم یا برقراری ارتباط با دیگران نیستند، در بسیاری از موارد حتی نمی‌توانند ولی یا سرپرست خود را از جرم ارتكابی آگاه سازند. این که در بسیاری از موارد ربایش این افراد ممکن است این گونه به نظر آید که به علت عقب ماندگی ذهنی گم شده‌اند. بنابراین اذهان اولیاء و مأمورین انتظامی از پیگیری ربایش آن‌ها معطوف به گم شدن آن‌ها شود. بر این اساس این افراد، گزینه‌های مناسب‌تری برای برخی از جرائم تجاوز، ربایش (به جهت سوءاستفاده جنسی، قاچاق اعضای بدن و ...) هستند. در نتیجه شایسته است مقنن با وضع جرائمی خاص به طور ویژه از این اشخاص حمایت نماید (سلطانی کوهبنانی و غلامی، ۱۳۹۷، ۲۷ و ۲۸).

تصویب اعلامیه حقوق افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی در سال ۱۹۷۱ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گام مهمی در جهت حمایت از حقوق معلولان در اسناد بین‌المللی به شمار می‌رود. در ماده ۵ اعلامیه پیش بینی شده است، در صورتی که معلول به جهتی از جهات فاقد سرپرستی که صالح برای این کار باشد، قرار گیرد. علت تدوین چنین اصلی در اعلامیه واضح است. زیرا به جهت وضعیت خاص این قبیل افراد همواره در معرض شدیدترین آسیب‌های جسمی و یا روانی ناشی از رفتارهای غیرانسانی و سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار دارند. از آن جا که معلولان به ویژه آن‌هایی که دچار ناتوانی روانی و ذهنی هستند، ضرورتاً نمی‌توانند در قبال اتهاماتی که به آنان وارد می‌شود، از خود دفاع نمایند. اعلامیه حقوق افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی پیش‌بینی نموده، چنانچه فرد معلول مورد پیگیری قانونی قرار گیرد، علاوه بر رسیدگی به اتهام او در یک نظام دادرسی منظم و عادلانه، دادرس دادگاه در تعیین میزان مسئولیت او باید قابلیت ذهنی او را مورد توجه قرار داده و با عنایت به وضعیت روانی و ذهنی او در خصوص میزان مسئولیت او اتخاذ تصمیم نماید و به عیارت دیگر، دادگاه همواره در رسیدگی به عمل

غیرقانونی معلول این نکته را در نظر داشته باشد که معلول روانی قابلیت ذهنی و روانی تکامل یافته‌ای ندارد و در نتیجه، میزان مسئولیت او نیز در مقایسه با یک شخص سالم و عادی بسیار کم‌تر خواهد بود و علاوه بر این، شخص معلول و یا وکیل او باید بتوانند برای دفاع به اصل عدم مسئولیت یا مسؤولیت محدود روانی که عاجز از تهیه و تدارک طرح اجرای عمل مجرمانه در ذهن خود و به عبارت دیگر، قصد مجرمانه می‌باشند استناد نمایند تا از میزان مسئولیت و مجازات او کاسته شده یا از آن معاف گردند (توسلی نائینی و کاویار، ۱۳۸۷، ۶۳ و ۶۴). ماده ۱۳ و بالطبع آئین‌نامه اجرائی آن تأکید زیادی بر حمایت حقوقی و مشاوره بر افراد معلول داشته است که نشان دهنده حمایت بی‌چون و چرای این افراد در حین دادرسی می‌باشد که می‌تواند نقش نسبتاً خوبی در استیفا و یا دفاع از حقوق این افراد داشته باشد و به نوعی تا حد زیادی می‌توان بر دستیابی به نظام دادرسی عادلانه از طریق این حمایت‌ها اطمینان پیدا کرد (شفیعی و شفیع، ۱۳۹۵، ۱۰۶).

در نظام حقوقی ایران قانون گذار از راه‌های مختلف محجوران را حمایت می‌کند. قانون گذار نهادهایی را برای حمایت از محجوران پیش‌بینی کرده است. این نهادها در حقوق ایران شامل ولایت قهری، وصایت و قیمومت می‌باشد. اما قانون گذار ایران، دادستان را مکلف کرده است تا با توجه به سه نهاد یاد شده، نظارت‌ها و اقداماتی را در راستای حمایت از محجوران انجام دهد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تأسیس سازمان‌های حمایتی غیرقضایی مانند سازمان بهزیستی، کمیته امداد و بنیاد شهید، سبب شد تا بسیاری از وظایف دادستان که بیشتر جنبه حمایتی داشت، توسط این سازمان‌ها انجام شود و این امر باعث ایجاد تعارض در شیوه‌های حمایت از محجوران شد. دادستان باید به منظور حفظ حقوق محجوران تحت سرپرستی سازمان‌های غیرقضایی، تعامل بیشتری با این نهادها برقرار کند تا بتوان از خسارت بیشتر به حقوق محجوران به ویژه معلولان محجور، جلوگیری کرد. هر چند بسیاری از محجوران، شامل موارد یاد شده می‌باشند اما به دلیل نبود نهاد حمایتی مناسب، هیچ‌گاه نمی‌توانند ولی قهری خود را عزل و امور مالی و غیرمالی خود را با حمایت دادستان به قییم ذیصلاح بسپارند و همین امر موجب حیف و میل اموال و ضربه به حقوق غیرمالی محجوران تحت پوشش این سازمان‌ها شده است (بیگدلی و صحرانورد، ۱۳۹۲، ۹۶ و ۱۰۴).

۳-۲- حمایت قضائی از افراد معلول

حضور بیش از ششصد میلیون فرد دارای ناتوانی در جهان، موضوع معلولیت و ناتوانی را به مسئله‌ای مهم در جوامع انسانی تبدیل کرده است. نگرش منفی نسبت به ناتوانی و معلولین پدیده‌ای تاریخی است که در طول زمان تا حدی تحول و بهبود یافته است. سازمان ملل متحد، سازمان‌های وابسته به آن و سازمان‌های غیردولتی معلولان، از سال ۱۹۸۰، تلاشی فزاینده را برای تغییر نگرش منفی نسبت به معلولیت را آغاز کرده و ادامه داده‌اند (کمالی، ۱۳۸۶، ۴۳). حمایت حقوقی و قضائی از افراد معلول اشاره به حقوق افراد در بهره مند شدن از تمامی امکانات قانونی و قضائی، با توجه به نوع شدت معلولیت، بدون

هیچ گونه تبعیض، برای دستیابی به عدالت، به شکل مستقیم و غیرمستقیم، دارد(شفیعی و شفییعی، ۱۳۹۵، ۹۷).

ناتوانی جسمی و یا روحی فرد از یک طرف و وضعیت و موقعیت سنی و جنسیتی وی از طرف دیگر دو عامل مهمی هستند که فرد را به شدت آسیب پذیر می کنند. وضعیت جسمی و روحی فرد معلول به سادگی وی را در معرض خطرات زیادی قرار می دهد. عدم قدرت و توانایی لازم جهت دفاع از خود یکی از دلایلی است که ایشان را تبدیل به یکی از آماج سهل الوصول بزه کاران می کند. این امر در مورد کودکان و زنان معلول به مراتب بدتر است(رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰، ۳۳۵). بارزترین قانون داخلی ایران که موجودیت معلول را به رسمیت شناخته است، قانون جامع حمایت از افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۸۳ می باشد که صرفاً به تعیین قییم و ایجاد نهادهای واسطه بسنده کرده است و تنها ماده ای که از قانون جامع حمایت از معلولان که به حمایت قضائی پرداخته است، ماده ۱۳ می باشد که صرفاً به عزل و نصب قییم و ضرورت آن پرداخته است. آئین نامه این ماده که در سال ۱۳۸۳ تصویب شده است شامل مواردی می باشد که وظایف قییم و نیز و نحوه به کارگیری و ... مرتبط به آن را پیش بینی کرده است. قوانینی که به حمایت از این قشر از جنبه شکلی (آئین دادرسی) پرداخته اند، هنوز راه درازی در پیش دارد، به عبارتی عدم پرداختن به حضور مستقیم معلولان و استقلال قضائی در محاکم قضائی و بسنده کردن به تعیین قییم و سرپرست، برای افراد معلول عملاً جلوی تکامل قوانین حمایتی و به موازات آن حمایت قضائی را در فرآیند رسیدگی و تسهیل دسترسی افراد معلول به عدالت را گرفته است که به نوعی انحراف قوانین حمایتی - قضائی از مسیر اصلی کنوانسیون های بین المللی بوده است و در کل باید این گونه نتیجه گرفت که عملاً حمایت قضائی که از این قشر در ایران صورت می گیرد نه یک حمایت واقعی بلکه حمایتی سرپرست معابانه می باشد(شفیعی و شفییعی، ۱۳۹۵، ۱۰۴).

۱-۳-۲- قییمومت افراد معلول

بر اساس ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از معلولین مصوب ۱۳۸۳ «سازمان بهزیستی کشور موظف است با ایجاد سازوکار مناسب، نسبت به قییمومت افراد معلول، صرفاً از طریق سازمان مذکور عمل و مبادرت به صدور حکم نماید.» بر طبق تبصره یک ماده ۱ این قانون نیز منظور از معلول فردی است که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی کشور بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارآیی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی شود. در نگاه اول به نظر می رسد که بر خلاف قانون مدنی ایران که تعیین قییم را فقط برای اشخاص محجور مذکور در ماده ۱۲۰۷ همین قانون الزامی می داند، قانون مذکور با گسترش محدوده این نهاد حمایتی، دامنه آن را به افراد دارای ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجه در سلامت و کارآیی عمومی به نحوی که این امور موجب کاهش استقلال آن ها در زمینه اجتماعی و اقتصادی شود، گسترش داده است؛ اما به نظر می رسد که ماده مذکور

هیچ‌گونه تغییری در شرایط مربوط به نصب قیم مذکور در قانون مدنی و سایر قوانین نداده باشد و همچنان برای افراد معلولی که مشمول شرایط مذکور در ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی هستند می‌توان نصب قیم کرد. سایر معلولین و به‌ویژه سالمندان معلول جسمی و حرکتی همچنان مشمول قانون امور حسبی و شرایط مذکور در آن می‌باشند و با شرایط مذکور در این قانون فقط می‌توان برای آن‌ها امین تعیین نمود. ولیکن تعیین قیم برای افراد معلول دارای شرایط قانون مدنی از نظر شکلی باید با هماهنگی سازمان بهزیستی کشور صورت پذیرد (سیفی و زینالی، ۱۳۸۶، ۲۵۵).

در ماده «۶۶» قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار در خصوص اعلام جرم توسط سازمان‌های مردم‌نهاد تعیین تکلیف نموده است. پس سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند جهت حمایت از بزه‌دیدگان خاص با شرایط مزبور در فوق میادرت به اعلام جرم و حمایت از بزه‌دیده نمایند (ابراهیمی و رئوفیان نائینی، ۱۳۹۴، ۷).

محجور در حقوق ایران به کسی گفته می‌شود که فاقد اهلیت استیفاء است و ممنوع است از این که امور خویش را شخصاً اداره کند و اعمال حقوقی انجام دهد. محجور مشتمل بر صغیر، سفیه و مجنون است. صغیر کسی است که به سن بلوغ نرسیده است و سن بلوغ برابر تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در دختر نه سال تمام قمری و در پسر پانزده سال تمام قمری است. سفیه یا غیررشید به کسی گفته می‌شود که فاقد رشد، یعنی توانایی اداره اموال خود به طور عاقلانه است. کسی که به سن بلوغ رسیده ولی توانایی اداره اموال خود را ندارد، چنان که معمولاً در معاملات خود گول می‌خورد یا اموال خود را در راه‌های غیرعقلایی صرف می‌کند، سفیه به شمار می‌آید و هنگامی که از حجر خارج می‌شود که رشد او احراز گردد. در قانون مدنی سن هجده سال تمام شمسی را به عنوان اماره رشد می‌دانند و رسیدن به این سن را موجب خروج از حجر تلقی می‌کنند، مگر این که جنون یا عدم رشد شخص به اثبات برسد. اما مجنون از نظر حقوق مدنی کسی است که فاقد قوه درک و عقل و مبتلا به اختلال قوای دماغی است و بدین جهت اعمال حقوقی او باطل و کان لم یکن است. از آن جا که محجور به علت نقص یا اختلال قوای دماغی از اداره امور خود عاجز است و نیاز به حمایت دارد، قانون‌گذار ایران نهادهایی برای حمایت از محجورین مقرر داشته است. صرف نظر از حضانت که برای نگهداری محجور (صغیر و مجنون) پیش‌بینی

۱- سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند...

تبصره- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی با تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

شده است. نهادهای ولایت قهری، وصایت و قیمومت برای اداره امور مالی و غیرمالی محجورین مقرر گردیده است.

قیمومت سمتی است که در صورت نبود ولی خاص، از طرف دادگاه، برای صغاری که ولی خاص ندارند، برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند و برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد تعیین می‌گردد. هر گاه سازمان بهزیستی کشور متکفل امور چنین محجوری باشد «مکلف است جهت نصب قیم موضوع را به مراجع قضائی اطلاع دهد.» این قاعده هماهنگ با مقرراتی است که در قانون راجع به تشریفات نصب قیم آمده است (صفایی، ۱۳۷۸، ۴۱ و ۴۲). در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون گذار، سرپرست صغیر یا مجنون را در صورتی که در نگهداری از او کوتاهی کرده، مسئول جبران خسارت دانسته و اگر استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد. مسئولیت سرپرست مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است؛ یعنی سرپرست وقتی مسئول جبران زیان است که در نگهداری یا مواظبت از صغیر یا مجنون کوتاهی کرده باشد، علاوه بر آن، فعل زیان بار مجنون یا صغیر هم فعل نامتعارف باشد. جبران خسارت از اموال صغیر یا مجنون در صورت عدم استطاعت سرپرست آنان، خلاف قواعد عمومی مسئولیت مدنی است و سرپرست در صورت ملاتت باید خسارتی را که از اموال صغیر یا مجنون جبران شده، به آنان بپردازد (آبادی، ۱۳۸۵، ۱۹ و ۲۱).

۲-۳-۲- تعیین وکیل برای معلولان

حق برخورداری از وکیل، از مهم ترین شروط فرآیند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین‌المللی می‌باشد. این حق لازمه و مقدمه اجرای مطمئن حق دیگری است که در اسناد حقوق بشری «حق دفاع» نامیده می‌شود. اغلب محکوم، از حقوق قانونی خود مطلع نیست و نمی‌تواند ادعاهای خود را آن گونه که باید و شاید به سمع قضات برساند از این رو حق داشتن وکیل یکی از تضمینات حقوق دفاعی متهم است که در اسناد بین‌المللی متعددی مورد تصریح قرار گرفته است (سلیمیان و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۹). در تبصره ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳ به صراحت مقرر شده است: «سازمان بهزیستی کشور موظف است جهت دفاع از حقوق افراد معلول، در محاکم قضائی وکیل تعیین نموده و به دادگاه مربوطه معرفی کند.» بدین سان قانون گذار با تأکید بر یکی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه یعنی حق داشتن وکیل در راستای تحقق بخشیدن و تأکید بر حقوق دفاعی متهم و تضمین رفتار منصفانه با بزه‌دیده‌ای که مبتلا به معلولیت است، سازمان بهزیستی کشور را مکلف به تعیین وکیل برای افراد معلول و معرفی وی به دادگاه صالح کرده است. همچنین در تبصره دوم ماده ۱۳ قانون مزبور، قانون گذار به صراحت اشعار می‌دارد: «سازمان بهزیستی کشور مجاز است در موارد ضروری جهت جلوگیری از تضعیف حقوق معلولان بی‌سرپرست به نمایندگی از آنها در دادگاه‌ها طرح دعوا و دادخواهی نماید.» علیرغم آن

که توجه قانون‌گذار به عدم توانایی معلولان برای طرح دعوا و دادخواهی و این که چه بسا، فرد معلولی که بزه‌دیده واقع شده است، به سبب معلولیت اش امکان اقامه دعوا را نداشته باشد، ستودنی است، لیکن به نظر می‌رسد این ایراد به ماده مزبور وارد است که در مورد معلولان بی‌سرپرست، سازمان بهزیستی کشور باید مکلف به طرح دعوا و دادخواهی در دادگاه می‌شد تا از فراهم شدن موجبات هر گونه تضییع حقوق معلول بزه‌دیده جلوگیری به عمل آید. حال آن که، قانون‌گذار فقط طرح دعوا به نمایندگی از بزه‌دیده را به اختیار سازمان بهزیستی کشور واگذار کرده است که می‌تواند بستری را برای برخورد تبعیض آمیز و صلاح‌دید سازمان بهزیستی با معلولان بزه‌دیده‌ای که بی‌سرپرست نیز هستند، فراهم آورد (سماواتی پیروز، ۱۳۸۴، ۱۶۰). بر اساس تصویب هیات وزیران و طبق آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳، سازمان بهزیستی کشور مکلف است در صورتی که معلولان به واسطه عدم کفایت دارایی قادر به تادیه هزینه دادرسی نباشد، دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی به دادگاه تقدیم نماید و دادگاه در صدور حکم مبنای و نظرات سازمان را تا حد امکان مورد توجه قرار خواهد داد. کانون‌های وکلای دادگستری در سراسر کشور و نیز مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه موظفند بر اساس درخواست سازمان بهزیستی کشور و ادارات تابعه آن در سراسر کشور نسبت به تعیین وکیل معاضدتی مورد نیاز افراد معلول اقدام کنند.

۳-۲- حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی نسبت به ناتوانان

تشکل^۱ غیردولتی داوطلب مردمی عبارت است از نهادی مستقل، بدون وابستگی به دولت و غیرسیاسی که توسط افراد خیرخواه و بشردوست اداره می‌شود (دامغانی و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۸ و ۵۷). سازمان‌ها، مؤسسات، کانون‌ها، انجمن‌ها و جوامع در ایران خدمات بسیار متنوعی را اعم از خدمات درمانی، حمایتی، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی، مالی، بیمه‌ای و ... ارائه می‌نمایند اما نکته قابل توجه این که به دلیل عدم سازماندهی مناسب، این گونه مؤسسات و انجمن‌ها و کانون‌ها و ... فعالیت‌های بسیاری را به صورت موازی و دوباره‌کاری انجام می‌دهند که این موضوع به علاوه تداخل فعالیت‌ها و وظایف این گونه نهادها، سبب می‌شود که این نهادها بهره‌وری مناسبی نداشته باشند و کاملاً به اهداف از پیش تعیین شده دست پیدا نکنند (ظهیری نیا، ۱۳۹۰، ۱۶۶). برخی از این سازمان‌های غیردولتی عبارتند از: الف) سازمان تأمین اجتماعی که در سال ۱۳۵۴ خدمات بیمه‌ای را برای کارکنان گسترش داد. ب) کمیته امداد خمینی (ره) که در سال ۱۳۵۷ به منظور رسیدگی به امور محرومان جامعه و کمک به آنان تأسیس شد. پ) بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی که به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۷ به منظور رسیدگی به امور خانواده‌های شهدا، اسرا، مفقودان و جانبازان تأسیس شدند و هم اکنون تحت عنوان بنیاد شهید و امور ایثارگران فعالیت می‌نمایند.

سازمان دولتی به سازمانی زیر فرمان یک دولت اطلاق می‌شود که از جانب دولت مرکزی به منظور فعالیتی معین ایجاد می‌شود. این مأموریت‌های کاری می‌تواند دائم یا موقت در نظر گرفته شود. سازمان بهزیستی و قوه قضاییه مکلفانند با همکاری هم برای حمایت قضایی از معلولان دست به کار شوند. در شرایطی که حقوقی اولیه مثل رعایت سهمیه حداقلی استخدامی مخصوص معلولان، همیشه با چالش روبرو بوده است این حمایت‌های قضایی می‌تواند گره از بسیاری مشکلات این قشر باز کند. ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تشخیص معلولیت افرادی را که موضوع قانون جامع حمایت از حقوق معلولان هستند، به منظور نصب قیّم، بر عهده کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی کشور عنوان می‌کند. در ماده ۸ آیین‌نامه فوق نیز سازمان بهزیستی کشور علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹، برای طرح هر گونه دعوی یا دفاع و تعقیب دعوی مربوط به معلولان اجازه استفاده از کارشناسان اداره حقوقی یا کارمندان رسمی خود با رعایت شرایط مقرر در ماده ۳۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ به عنوان نماینده حقوقی را دارد.

۴-۳-۲- حمایت قضائی در زمان تحقیقات مقدماتی و دادرسی

معمولاً اولین نهادی که افراد بزه‌دیده با آن مواجه می‌شوند پلیس است و هر گونه برخورد غیرتخصصی و غیرمنطقی در بازجویی و تحقیق از آنان توسط پلیس می‌تواند موجب تشدید آلام روحی و جسمی ناشی از ارتکاب جرم علیه آن‌ها شود. در همین راستا ایجاد پلیس متخصص و آموزش دیده و آشنا به حقوق و نیازهای افراد در معرض خطر بزه‌دیدگی افراد معلول و نیز طرز تعلیم برخورد با آنان از اهمیت خاصی برخوردار است. تأسیس دادگاهی خاص یا اختصاص دادن شعبی از دادگاه عمومی با داشتن قضات متخصص و آموزش دیده و آشنا به وضعیت و نیازهای افراد معلول برای رسیدگی به جرایمی که بزه دیده آن، این دسته از افراد هستند (حاجی تبارفیروزجائی، ۱۳۹۰، ۵۰). حمایت حقوقی زمانی در حد بلوغ خواهد بود که حفاظت‌های لازم را قبل از وقوع جرم علیه این افراد و یا حضور آن‌ها در محاکم قضائی چه به عنوان شاکی و چه به عنوان متهم، فراهم کرده باشد و حمایت قضائی نیز زمانی در بهترین حالت خواهد بود که سازمان‌های حامی قبل از حضور افراد معلول در محاکم قضائی، آمادگی‌های لازم را برای آن‌ها فراهم کرده باشند (شفیعی و شفیع، ۱۳۹۵، ۱۰۸).

۴-۱-۴- رفع موانع و مناسب سازی محیط برای معلولان

۴-۱-۴- اهمیت مناسب سازی محیط برای معلولان

در کشور ما موضوع مناسب‌سازی پس از پایان جنگ تحمیلی مورد توجه قرار گرفت و موضوعی نو به شمار می‌آید. جنگ تحمیلی سبب گشته است که بخشی از فعال‌ترین جوانان کشور دچار معلولیت

گردند؛ اینان نه به خاطر معلول بودن خود بلکه به سبب معلول بودن شهر و ناامن بودن فضای شهری از فعالیت، کار، زندگی و ... در فضای شهری بازمانده و می‌مانند. تلاش برای کاهش فقر معلولان از طریق بهبود قابلیت دسترسی با تمرکز بر روی مناسب‌سازی فضاهای عمومی شهری به ویژه ترافیک و حمل و نقل عمومی شهری امکان‌پذیر می‌باشد (بزی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۴). فضاهای ویژه معلولین و نابینایان، آن‌ها را به دور از افراد جوان و سالم محصور کرده و از جامعه متمایز می‌کند. اما معلولان به هیچ وجه خواستار خاص شدن و متمایز دیده شدن نیستند بلکه خواستار رابطه‌ای بسیار عادی و معمولی، درست همانند افراد سالم در روابط اجتماعی هستند. حضور معلول در جامعه و مشارکت اجتماعی او الزامی است. اما مسئله مهم این است که فضای عمومی شهری مناسب برای تردد معلولین نیست. در ایران لزوم ساماندهی فضاهای شهری برای معلولین جسمی و حرکتی بسیار ضروری به نظر می‌رسد. زیرا از طرفی وضعیت شهرها، خیابان‌ها، پیاده‌روها، اماکن عمومی، فضاهای رفاهی، سرویس‌های بهداشتی، وسایل حمل و نقل درون شهری و برون شهری و ... به گونه‌ای هستند که امکان استفاده برای معلولان و جانبازان را فراهم نمی‌کند و از طرفی دیگر، بنا به آمارهای رسمی کشور در سال ۱۳۸۵ تعداد معلولان کشور یک میلیون و دوازده هزار و دویست و بیست و دو نفر یعنی هفت درصد جمعیت کشور دچار معلولیت هستند (سرور و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۷).

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶، مناسب‌سازی محیط را شامل ساختمان‌ها، راه‌ها، حمل و نقل، اطلاعات و ارتباطات می‌داند. این حوزه‌ها دارای ارتباطی متقاطع و درهم تنیده هستند یعنی اصلاحات انجام شده در هر کدام از آن‌ها باید در ارتباط با دیگر حوزه‌ها باشد و نمی‌توان هر بخش را بدون توجه به دیگر بخش‌ها بهبود بخشید. سازمان بهداشت جهانی معتقد است که حذف موانع فیزیکی و دسترسی محیطی، زمانی اثربخش است که نگرش‌ها و عوامل فرهنگی نیز اصلاح شده باشد. کشور ایران نیز ضرورت مناسب‌سازی فضاهای شهری و اجتماعی را پذیرفته است و قوانین مختلفی را در این خصوص تصویب و دستگاه‌های اداری مختلفی را مأمور اجرایی کردن آن نموده است. برای مثال، می‌توان به بند «ج» ماده ۳۹۱ قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹، آئین‌نامه ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای معلولین جسمی و حرکتی مصوب ۱۳۶۸ و قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ و آئین‌نامه‌های اجرایی آن اشاره کرد.

منظور از مناسب‌سازی عبارت است از اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل و نقل به طوری که افراد معلول قادر باشند تا آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و ساختمان‌های عمومی حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی بهره‌مند شوند. هدف از مناسب‌سازی محیط شهری دستیابی معلولین در جهت رسیدن به استقلال نسبی و به عبارتی تساوی فرصت‌ها، عدالت اجتماعی و پیوستن تمامی افراد معلول به جامعه و ایجاد اجتماعی بدون مانع است (گرگی ازندریانی و شیرزادنظرلو، ۱۳۹۷، ۱۵۱). بر اساس قانون

جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ حق تحصیل رایگان معلولان در واحدهای آموزشی به رسمیت شناخته شده است. اما اگر امکان دسترسی فرد معلول به این واحدها از جهت تأمین وسیله نقلیه مناسب، از جهت محیط فیزیکی و یا وسایل آموزشی مناسب فراهم نباشد، حق فوق غیرقابل استیفا خواهد بود. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ در ماده ۹ تعهدات کشورهای عضو را در خصوص مناسب سازی محیطهای فیزیکی، آموزشی و اجتماعی را برای معلولان بیان می‌نماید: برای توانمندسازی معلولان به داشتن یک زندگی مستقل و مشارکت کامل آن‌ها در تمام جنبه‌های زندگی، دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مناسب را برای حصول اطمینان از دسترسی معلولان، مانند سایر افراد، به محیطهای پزشکی، حمل و نقل، اطلاعات و ارتباطات، شامل تکنولوژی و سیستم‌های ارتباطی و نیز دسترسی آنان به سایر تسهیلات و سرویس‌های عمومی و آزاد، هم در مناطق روستایی هم در مناطق شهری به عمل آورند (طباطبائی و نوری نشاط، ۱۳۸۸، ۱۲۲). واقعیت‌های زندگی روزمره بیان می‌دارد که افراد دارای ناتوانی جسمی - حرکتی با تصویری که از خود دارند، قادر به برقراری روابط عادی با دیگران نیستند، در نتیجه انزوا پیشه می‌کنند. اما مسئله مهم این است که فضاهای عمومی شهری برای آمد و شد این گروه مناسب نیست، زیرا وضعیت شهرها، خیابان‌ها، پیاده‌روها، اماکن عمومی و غیره به نحوی است که امکان استفاده برای گروه مورد نظر را فراهم نمی‌کند (عبداله زاده فرد و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۱۹).

خیابان اصلی ترین فضا با کارکردهای مختلف و اولین فضایی است که عموم سالمندان نیازمند به استفاده از آن هستند. تجربه اتفاقاتی نظیر زمین خوردن، تنه خوردن از دیگران و تصادفات، حضوری نگران کننده و استرس آور و نگرشی منفی را در افراد سالمند به وجود آورده و منجر به طرد آنان از اجتماع شده است. بنابر اصل عدالت اجتماعی می‌بایستی تمامی فضاهای یک شهر با نیازها و مشکلات شهروندان سالمند و حرکت پیاده آنان سهولت داشته باشد (عیسی لو و همکاران، ۱۳۹۴، ۴).

بر اساس تعاریف بین‌المللی و سازمان ملل، منظور از محیط بدون مانع، قابل دسترس بودن فضاهای شهری و بناهای عمومی برای همه افراد به ویژه افراد دارای محدودین حرکت، بدون برخورد با مانع است (رفیع زاده، ۱۳۹۵، ۴۱). فقدان تمهیدات لازم به منظور تسهیل عبور نابینایان از دیگر مسائل مهم آن‌ها در تردد است. در این خصوص لازم به ذکر است که نصب نشانگرهای صوتی (چراغ راهنمایی گویا)، در معدودی از تقاطعات در طی سال‌های اخیر نیز مساعدت چندانی به تسهیل عبور نابینایان از خیابان ننموده است. معدود بودن و فقدان اولویت سنجی در نصب سیستم‌ها، عدم اطلاع رسانی و آگاه سازی نابینایان از وجود و عملکرد آن‌ها و تشخیص دشوار اصوات آن‌ها نمونه‌هایی از مسائل مربوطه در این خصوص می‌باشد (شکوری و شاهمرادی، ۱۳۹۴، ۲۰۶).

۴-۲- وضعیت اماکن عمومی برای معلولان

منظور از اماکن عمومی «وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی، فرودگاه‌ها، دانشگاه‌ها، ترمینال‌ها، مراکز تجاری، رستوران‌ها، پارک‌ها و معابر و به طور کلی دیگر مکان‌هایی است که مورد استفاده عموم

قرار می‌گیرند.» یکی از اشکالات تعریف فوق این است که باید بعد از شرکت‌های دولتی، سازمان‌ها و نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های وابسته به آن‌ها و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های وابسته به آن‌ها را ذکر می‌کرد؛ زیرا نمی‌توان با استفاده از لفظ دیگری، مکان‌های مورد استفاده عمومی همه مؤسسات مذکور را مشمول آئین نامه دانست. مگر این که به حکم ماده ۱ آئین نامه ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای معلولین جسمی و حرکتی مصوب ۱۳۶۸ که ساختمان‌های مشابه دستگاه‌های اجرایی دولتی و سازمان‌های غیردولتی و مالکان ساختمان‌های مورد استفاده عموم را مکلف به مناسب سازی کرد (راسخ و شهبازی، ۱۳۹۳، ۸۶). در کشورهای مختلف دنیا از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد مناسب‌سازی اماکن عمومی و انطباق آن با نیازهای افراد دارای معلولیت، خصوصاً معلولین جسمی - حرکتی در دستور کار قرار گرفت و تجارب کسب شده در این مورد سبب گردیده است تا پرداختن به این مسئله به گونه‌ای بین‌المللی نیز مطرح و در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گیرد، به طوری که در قطعنامه شماره ۳۴۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره حقوق افراد دارای معلولیت در مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ چنین آمده است: «معلولین حق دارند از امکاناتی برخوردار باشند که بتوانند به طور مستقل در جامعه حضور و زندگی کنند.» و یا از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سال ۱۹۸۱ به عنوان سال جهانی برای معلولین اعلام شد و در خصوص موضوع مشارکت و برابری کامل حقوق معلولین تصمیم گرفته شد (برجیان و جغتایی، ۱۳۸۵، ۱). در کشورهای در حال توسعه، تدارک خدمات برای افراد معلول و ناتوان هنوز هم تا حد زیادی تابع دولت و جامعه مدنی می‌باشد. رویکرد حقوق بشر به معلولین و ناتوانان، مانند هر شهروند عادی است که حق دارد از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه بهره‌مند گردد. این فرآیند، به آرامی و آهستگی از سوی برخی از جوامع در حال توسعه پذیرفته شده است، اگر چه این مهم نسبت به شورهای توسعه‌یافته بسیار کمتر صورت پذیرفته است (بیرانوندزاده و همکاران، ۱۳۹۵، ۲).

۳-۴- وضعیت اماکن تفریحی برای معلولان

تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فراغتی، فرهنگی و ورزشی مؤثر به منظور رهایی از انزوا، بروز خلاقیت و تضمین سلامتی، به مثابه حقی فرهنگی و اجتماعی در ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ مورد شناسایی قرار گرفته است (مقامی و امیرشاکرمی، ۱۳۹۵، ۳۰۵). تبعیض در زندگی فرهنگی، پدیده‌ای جهانی است که در اشکال متنوعی صورت می‌پذیرد؛ مکان‌های فرهنگی در اکثر اوقات برای افراد معلول غیرقابل دسترس بوده و حق آن‌ها بر مشارکت فرهنگی نادیده انگاشته شده است. برای مثال افرادی که ویلچیر استفاده می‌کنند، اغلب از ورود به سینما و تئاتر به دلیل خطرات صندلی چرخ دار برای دیگران، محروم می‌گردند. بنابراین، معلولین به صورت گسترده با موانع متعددی در راستای تحقق حقوق خود، از جمله حق تفریح و فراغت مواجه‌اند (مقامی و امیرشاکرمی، ۱۳۹۵، ۳۰۶). دسترسی یکی از اصول کلیدی برجسته در تحقق حقوق ماده ۳۰ کنوانسیون تلقی می‌گردد. اجرای مؤثر ماده ۹ (قابلیت

دسترسی) پیش شرط حیاتی برای مشارکت معنادار در زندگی فرهنگی است. کشورهای عضو باید اقدامات و مراحل کافی و لازم را در راستای دسترسی به فعالیت‌های تفریحی، فراغتی، ورزشی و مشارکت در زندگی فرهنگی معلولان اتخاذ نمایند. با توجه به مؤلفه دسترسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۷ مقرر می‌کند که «هر کس حق دارد آزادانه در زندگانی فرهنگی اجتماع شرکت جوید و از اقسام هنرها استفاده کند.» اما نقض حق یک ویلچیر به دلیل وجود پله در هنگام ورود به سالن‌های کنسرت و عدم وجود راه قابل دسترس و یا تقض حق یک نابینا به دلیل عدم وجود هیچ‌گونه علائم، شرح یا وصفی در قالب الکترونیکی یا شنیداری و یا به صورت نوشتاری به خط بریل در موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، نقض حق یک نابینا در تماشای فیلم در سینما و نقض حق یک فرد معلول ذهنی به دلیل عدم وجود متون خوانا، قابل فهم و ساده مناسب این افراد از جمله نمونه‌های عدم دسترسی به شمار می‌روند (مقامی و امیرشاکرمی، ۱۳۹۵، ۳۰۰).

۴-۴- وضعیت حمل و نقل شهری برای معلولان

حمل و نقل عمومی در شهرها موجب کاهش تراکم ترافیک و توسعه عدالت اجتماعی می‌شود. این موضوع برای معلولان و کم‌توانان، کمتر در نظر گرفته می‌شود. یکی از اقسام معلولان، نابینایان و افراد دارای اختلالات بینایی می‌باشند. عدم تجهیز سیستم‌های حمل و نقل عمومی به زیرساخت‌های مورد نیاز برای کم‌بینایان نه تنها موجب عدم امکان استفاده سیستم برای آن‌ها می‌شود سبب کاهش ایمنی و به خطر افتادن جان این قشر از جامعه می‌شود (رحیم اف و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۵).

وسایل حمل و نقل عمومی در شهرها دو مشکل عمده دارند: نحوه ورود معلولین به وسایل نقلیه (اتوبوس، مترو و ...) و محل استقرار معلولین در داخل وسیله نقلیه عمومی. این مشکلات با طراحی درب‌های مخصوص و استفاده از بالابرهای مکانیکی و همچنین تعبیه جاهای مخصوص معلولین در وسایل نقلیه عمومی مرتفع می‌شود (ظهیری نیا، ۱۳۹۰، ۱۷۷).

سند ارزشمند سازمان ملل متحد حاکی از آن است که می‌بایست موانع فیزیکی، جسمانی و روانی - اجتماعی موجود در مقابل معلولین را از بین ببرند و امکانات مساوی برای تمام شهروندان خود فراهم نمایند و میلیون‌ها انسان را از تبعیض جسمی نجات داده، در داخل بافت شهری وارد سازند. پرواضح است که سالمندان و معلولان دارای وسایل و مشکلات عدیده‌ای بوده و می‌بایست برای آن‌ها متناسب با وضعیت جسمی‌شان توقفگاه‌های ویژه ایجاد و یا تابلوهایی را نصب نمود که محل توقف فرد معلول را مشخص نماید. سرعت حرکت وسیله نقلیه نیز حائز اهمیت است. اتوبوس‌های شهری در نقاط حساس و نواحی مرکزی از مسیرهای ویژه استفاده می‌کنند. تعداد بیش از حد وسایل نقلیه این شهرها به صورتی است که یک مسافر بیش از پانزده دقیقه منتظر اتوبوس شهری و پنج دقیقه منتظر متروی زمینی نمی‌شود. نظافت و راحتی وسیله نقلیه عمومی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه نمی‌توان سهمیه معلولین جسمی - حرکتی و سالمندان را به دست فراموشی سپرد. این افراد باید به

آسانی از تمام وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند این وسایل باید به نحوی ساخته شوند تا معلولینی که بر روی صندلی چرخدار نشسته‌اند بتوانند راحت وارد آن‌ها شده و در محل مناسب قرار گیرند. در داخل این وسایل باید حداقل سه صندلی در نزدیکی ورودی‌های اصلی برای معلولین، سالمندان و زنان باردار اختصاص داده شود. این اشخاص می‌توانند برای راحتی و بدون عمل و بدون آن که مجبور شوند از راهرو داخلی وسیله نقلیه عبور نمایند (امیری ابیانه و علی یار زنجانی، ۱۳۸۱، ۱۲۵).

۴-۵- فضای ورودی ساختمان‌ها

فضای ورودی یک ساختمان عمومی باید پذیرای همه افراد جامعه باشد، اما اکثر ساختمان‌های عمومی، به دلیل حضور موانع مختلف سر راه ورودی، برای معلولین جسمی- حرکتی، که بخشی از افراد جامعه ما را تشکیل می‌دهند، در دسترس نیست. از سوی دیگر، افراد معلول مراجعه‌کننده به ساختمان‌های عمومی که وسیله نقلیه شخصی دارند، باید اتومبیل خود را در نزدیک‌ترین توقفگاه پارک کنند. ایجاد قابلیت حضور یکایک افراد در جامعه از جمله افرادی با محدودیت حرکتی، از سویی، با فراهم کردن امکانات و تجهیزات پزشکی و به طور کلی انواع توان بخشی قابل افزایش است. از سوی دیگر، غیر از این که فرد با استفاده از این عوامل خود را به جامعه نزدیک می‌کند، جامعه نیز باید قدمی پیش نهد و به سوی فرد پیش رود. این مسئله امکان حضور فرد از نظر روانی را در جامعه بیشتر می‌کند و او را یکی از اعضای جامعه مطرح می‌کند (عبداله زاده فرد و همکاران، ۱۳۹۵، ۵۹).

۴-۶- مقایسه مناسب سازی محیط در ایران و برخی کشورها

اهمیت تساوی حقوق شهروندی در این است که معلولین و جانبازان مانند دیگر افراد جامعه از امکانات و تسهیلات موجود در فضاهای عمومی شهری برخوردار باشند، زیرا افراد جانباز و معلول عمدتاً به علت وجود موانع فیزیکی و بافت فیزیکی نامناسب شهر نمی‌توانند در سطح شهر حرکت نمایند و از فضاهای شهری استفاده کنند؛ در نتیجه از حقوق خود در استفاده از شهر محروم می‌شوند و استفاده از برخی فضاهای شهری برای آنان مخاطره‌آمیز است. ایجاد فضاهای شهری مناسب با توجه به نیازهای معلولین و جانبازان در شهر، بهترین راهکار جهت بیرون آوردن معلولین و جانبازان از انزوا می‌باشد و این امر از طریق ایجاد فضاهای شهری مناسب و قابل دسترس برای آنان امکان پذیر است. در کشور ایران با وجود این که معلولین و جانبازان درصد قابل توجهی از جامعه را تشکیل می‌دهند، اما موضوع مناسب سازی شهرها چندان مورد توجه قرار نگرفته است و این افراد از لحاظ دستیابی به حقوق شهروندی و اجتماعی خود در مقایسه با سایر افراد وضعیت نامناسبی دارند و استفاده از برخی فضاهای شهری برای آنان مخاطره‌آمیز می‌باشد (ملاشاهی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۷۵). رویای شهر بدون مانع امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا و حتی کشورهایی نظیر چین که در حال توسعه هستند به واقعیت پیوسته است و شهروندان از پیر و جوان و زن و مرد و معلول می‌توانند با تمهیداتی در تمام شهر یا بدون وسایط نقلیه

شخصی و عمومی تردد نمایند. در شهرهای جهان سوم بر خلاف کشورهای پیشرفته دنیا در ابتدا فضای شهری به وجود آمده بعد از این مرحله طراحان و برنامه ریزان به فکر ساماندهی فضا از ابعاد گوناگونی چون تردد کم توانان و معلولین جسمی - حرکتی می‌افتند.^۱

در جدول ذیل به مقایسه تعدادی از کشورهای اروپایی که در زمینه مناسی سازی شهری در جهت رفاه حال معلولان تلاش‌هایی صورت گرفته خواهیم پرداخت:

<p>کشورهای اسکاندیناوی از جمله سوئد در این زمینه موفق عمل کرده‌اند. همه شهرداری‌ها در این کشور مجموعه مقررات و استانداردهایی برای برنامه ریزی و طراحی شهری بر اساس نیازهای معلولان دارند؛ اهمیت موضوع در آن است که دسترسی معلولین به بناها، تجهیزات شهری، شبکه حمل و نقل، مراکز تفریحی، گردشگری و سایر ساختارهای فیزیکی متنوع شهری نه تنها موجب می‌گردد تا از استعدادهای و نیروهای آنان استفاده مفید به عمل آید، بلکه نوعی پیشگیری از وقوع معلولیت‌های جدید نیز به شمار می‌آید. کشور سوئد یکی از کشورهایی است که برجسته‌ترین اقدامات را برای مناسب نمودن شهرهای خود با نیازهای معلولین انجام داده است و استانداردهای این کشور می‌تواند نمونه خوبی برای سایر کشورها باشد (ملاشاهی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۷۶).</p>	<p>مناسب سازی شهری در سوئد</p>
<p>رافیا حنیف و راباخدر در سال ۲۰۰۷ تحقیقی را که با عنوان زنان دارای معلولیت در محیط شهری کانادا انجام دادند؛ به این نتیجه رسیدند که زنان دارای معلولیت و ناتوان از اعضای مهم جامعه و فرهنگ کانادا می‌باشند که در صورت نامناسب بودن فضاهای شهری آنان در جامعه جذب نمی‌شوند و به سمت حاشیه اقتصادی شهر کشیده می‌شوند و دچار چندهویتی در فضاهای نامناسب شهری می‌گردند. آنان دریافتند که دسترسی به خدمات شهری توسط زنان دارای معلولیت در فضاهای شهری دائماً توسط عواملی از قبیل معلولیت و ناتوانی، جنس، سطح شهرنشینی، قومیت و فرهنگ، سن، شرایط اقتصادی و موقعیت اجتماعی دچار تغییر و تحول می‌گردد. بنابراین، بایستی با مناسب سازی و طراحی فضاهای مناسب شهری حمایت کاملی در مسائل اجتماعی و اقتصادی از آنان به عمل آید تا در فعالیتهای جامعه به طرز موثری مشارکت داشته باشند (اشنویی و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۲و۶۱).</p>	<p>مناسب سازی شهری در کانادا</p>
<p>شهرداری شهر پکن اهمیت فراوانی به ایجاد محیط‌های قابل دسترس دارد و متوجه شد که ایجاد محیط‌های بدون مانع باعث راحتی هر کسی شامل افراد دارای ناتوانی و سالمندان می‌شود و بنابراین این افراد قادر می‌شوند که در زندگی اجتماعی مشارکت نمایند. همچنین این دیدگاه را می‌دهد که ساختار محیط قابل دسترس برای همگان باشد. بازتاب توجه دولت به مردم و کسانی که ناتوانی جسمی دارند در جامعه متمدن</p>	<p>مناسب سازی شهری در چین</p>

۱- دستورالعمل مناسب سازی فضاهای شهری برای افراد معلول جسمی و حرکتی - ستاد مناسب‌سازی شهرداری تهران سال ۱۳۸۴.

<p>است و این سمبل مدرنیته در یک کلان شهر بین‌المللی است. تا سال ۱۹۸۵ چهار خیابان در پکن نوسازی شده بود تا دسترسی برای استفاده کنندگان از ویلچیر به ساختمان‌های آن خیابان را تأمین کنند. بعد از سال ۱۹۸۹ هم شش خیابان نوسازی شد. اولین پیاده‌رو با پلاک‌های بریل برای هدایت افرادی که ضایعات بینایی دارند در سال ۱۹۹۱ در پکن نصب گردید. با توجه به مقررات مناسب سازی در سال ۱۹۹۳، پکن اولین شهری در چین بود که آئین‌نامه دسترسی افراد دارای معلولیت به خیابان‌های شهر و ساختمان‌ها را اجرا نمود (سلطان‌پور، ۱۳۹۴، ۲۸ و ۲۹).</p>	
<p>در کشور لهستان بیش از هر چیز به مناسب‌سازی وسایل حمل و نقل عمومی برای تردد افرادی که دچار محدودیت می‌باشند، پرداخته شده است (European commission, 2013, access city award, 19).</p>	<p>مناسب سازی شهری در لهستان</p>
<p>نانتس ششمین شهر بزرگ فرانسه است. شهر نانتس فرانسه یک برنامه طولانی مدت، در زمینه سیاست‌گذاری و عملیات، به منظور بهبود تسهیلات و خدمات برای افراد معلول در تمام جنبه‌های زندگی شهر داشته است. به عنوان بخشی از طرح اقدام برای ناتوانان که شهر اتخاذ کرده است، چهارصد و سی دسترسی به ساختمان‌های عمومی و فضای باز عمومی (بزرگراه و محیط‌های عابر پیاده) ایجاد شده است. به منظور مشارکت دادن افراد معلول و درک صحیح از نیازها و خواسته‌های ایشان، برای بازدیدهای محلی به خصوص در مورد پیاده‌روها از مردم محلی که دارای مشکلات حرکتی بوده‌اند استفاده شده است. تعیین اولویت برای بهبود دسترسی به ساختمان‌های دولتی و خیابان و محیط پیاده‌رو با شهرداری نانتس به توافق رسیده است و تصمیمات بر اساس میزان استفاده از فضاها و اهمیت مناطق با توجه به میزان سفرهای روزانه اتخاذ می‌شود (European commission, 2013, access city award, 10).</p>	<p>مناسب سازی شهری در فرانسه</p>
<p>روتردام در هلند دسترسی جدیدی را در فضای بیرون برای معلولین در سال ۲۰۱۴ طراحی کرد، در نتیجه، دسترسی در کلیه سیاست‌های اصلی روتردام تعبیه شده است. متخصصان دسترسی در همه پیشرفت‌های جدید دخیل هستند تا اطمینان حاصل شود که این طرح نیازهای معلولان را برآورده می‌کند. هر گونه خطری که مانع دسترسی معلولان شود ظرف بست و چهار ساعت تعمیر خواهد شد. در ساحل روتردام غلتک‌هایی برای افراد ویلچیری وجود دارد تا بتوانند از ساحل استفاده کنند به همین دلیل این ساحل برای افراد معلول در دسترس‌ترین و راحت‌ترین ساحل در هلند است. همچنین بیش از هشتاد ایستگاه در شهر دارای ویلچیر برای معلولین است و برای افراد کم بینا ستون‌هایی با اطلاعات صوتی وجود دارد. باشگاه‌های روتردام امکاناتی اضافی برای معلولان ارائه می‌دهد؛ از جمله، اولین مسابقه برای افراد نابینا در مسابقات بزرگ تنیس به دلیل هدف و انگیزه‌ای که دارند و تمرکز در کمک به افراد برای حمایت از</p>	<p>مناسب سازی شهری در هلند</p>

<p>دوران زندگی‌شان در خانه‌ها و در سطح شهر است. در آخر باید ذکر کرد که روتردام در این سال مقام دوم را کسب کرد (European commission,2013,access city award,8).</p>	
<p>لوگو قدیمی ترین شهر رومی در گالیسیا است و در شمال غربی اسپانیا قرار دارد. این شهر از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی استفاده کرده است تا شهر را برای افراد مسن و معول در دسترس تر کند. دسترسی به وب سایت شهر در ابتکار به سطح A رسیده و متعهد به دستیابی به سطح A گردیده است. این دسترسی شامل یک کلیک با عملکرد Read speaker در تمام محتوای وب است. همچنین این وب سایت شامل یک راهنمای دستیابی به شهر است و هر ساله بیش از دویست هزار بازدیدکننده داشته است؛ علاوه بر این اطلاعاتی که به صورت تصویری داده در طیف وسیعی از ساختمان‌های عمومی برای کمک به افرادی که در یادگیری ناتوان هستند به نمایش گذاشته می‌شود(European commission,2013,access city award,16).</p>	<p>مناسب سازی شهری در اسپانیا</p>

۴-۷- اقدامات ایران در زمینه فضا سازی شهری و فراهم کردن امکانات شهری برای معلولین

در سال ۲۰۱۸ و در ماه‌های مارچ تا ژوئن، آثار هنری موزه لوور در تهران به نمایش گذاشته شد تا هشتادمین سالگرد موزه ایران نشان داده شود. این نمایشگاه توسط موزه لوور در پاریس از موزه ملی ایران انتقاد شد زیرا برای افراد معلول غیر قابل دسترس بود. متأسفانه موزه ملی ایران، مانند بسیاری از فضاهای عمومی دیگر، امکانات مناسبی برای رفت و آمد معلولین در نظر نگرفته است. دقیقاً دلیل عدم دسترسی به سطح شیب‌دار و نمایشگاه برای افراد دارای معلولیت مشخص نیست، فارغ از این موزه ملی ایران که تحت حمایت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با بودجه دولتی فعالیت می‌کند وظیفه دارد فضاهای عمومی را برای همه مردم ایران در دسترس قرار دهد. طبق ماده ۹ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶، که ایران در سال ۲۰۰۹ تصویب کرد؛ دولت ایران باید اقداماتی را انجام دهد که شامل شناسایی و رفع موانع دسترسی باشد. به عنوان مثال در تهران فقط بیست و چهار درصد از فضاهای عمومی اصلاح شده است و همین امر رفت‌وآمد را برای معلولان در اکثر شهر دشوار یا غیرممکن ساخته است و امکانات غیر قابل دسترس شهری و اماکن عمومی سبب منزوی شدن معلولان می‌گردد و این که مقامات این موضوع را علناً اذعان کرده‌اند. قوانین استاندارد سازمان ملل متحد به عنوان یک حقوق بشر برای معلولان در نظر گرفته شده است که برای دسترسی مردم به اماکن و گذرگاه‌ها به خصوص برای افراد دارای معلولیت حرکتی ایجاد شده است. برای دستیابی به این هدف، در ابتدا همه موانعی که منجر به اختلال تحرک معلولین می‌شوند باید حذف شوند و سپس فضاها مناسب و در دسترس باشند. در بند «ج» ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مصوب ۱۳۷۹ و آئین نامه اجرائی آن تأکید شده بود که مناسب سازی اماکن عمومی و خصوصی در طول

آن برنامه صورت پذیرد. در ماده ۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ و تبصره‌های آن به ضرورت مناسب سازی محیط برای معلولان و وظایف ارگان‌های مختلف در این زمینه تأکید شده است. در بخش «راهبردهای طرح راهبردی- ساختاری جامع شهر تهران»، ضمن تأکید بر توجه برنامه‌ها و طرح‌های شهرداری تهران به مشکلات کم‌توانان و ناتوانان جسمی و حرکتی، شهرداری تهران موظف شده است در یک برنامه زمانی میان مدت با همکاری نهاد طرح‌های توسعه شهری تهران نسبت به تهیه طرح موضوعی «ساماندهی و مناسب سازی شهر تهران برای حرکت جانبازان و معلولان» اقدام نماید. شورای اسلامی شهر تهران، شهرداری تهران را موظف نموده است تا حداکثر ظرف مدت دو سال نسبت به انجام مواردی در خصوص مناسب سازی فضای شهری تهران برای معلولان اقدام نماید. در پی تصویب و ابلاغ این مصوبه‌ها «ستاد مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی و حرکتی» در شهرداری تهران تشکیل شد و اقدامات سیاست گذاری، برنامه‌ریزی و نظارتی متعددی را در این خصوص به عمل آورده است. به رغم تمام این تلاش‌ها، در لایحه برنامه پنج ساله شهرداری تهران توجه کافی به اقدامات برنامه‌ریزی شهرداری تهران در موضوع مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان به عمل نیامد؛ به طوری که فقط در ذیل ماده ۵۲ آن لایحه، شهرداری تهران موظف شده است در راستای بهینه‌سازی جریان ترافیک از طریق اعمال مدیریت ترافیک و ارتقای ایمنی سیستم حمل و نقل شهری و افزایش اعتماد و اطمینان شهروندان به وسایل نقلیه عمومی در طول دوره زمانی آن برنامه، نسبت به موارد مختلف، از جمله «مناسب سازی سیستم حمل و نقل و ترافیک جهت استفاده معلولان و جانبازان» اقدام نماید (کمانرودی کجوری، ۱۳۹۸، ۱۰۱).

یکی از موارد مهمی که فرد معلول و جانباز، زیان‌دیده واقع می‌شود مربوط به عدم مدیریت مناسب سازی ساختمان‌ها، خیابان‌ها و اماکن عمومی یا خصوصی است. با توجه به تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ۱۳۸۳ که دولت و سایر اشخاص را ملزم به مناسب‌سازی محیط جامعه جهت معلولان ساخته است می‌توان برای اشخاصی که از این تکلیف قانونی تخلف می‌نمایند قائل به مسئولیت مدنی بود. بنابراین در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط زندگی معلولان و جانبازان مهم‌ترین عنصری که باید برای رجوع زیان‌دیده به فاعل فعل زیان بار در نظر گرفته شود، وجود ضرر و زیان است. البته برای این نوع ضرر می‌توان مصادیق مهمی را در نظر گرفت که مهم‌ترین آن بروز آسیب‌های جسمی است که ممکن است به دلیل عدم مناسب سازی محیط و در نظر نگرفتن نوع طراحی ساختمان‌ها و معابر عمومی حاصل گردد و منجر به مصدومیت فرد معلول و جانباز گردد. در نتیجه ضرر در این نوع مسئولیت مدنی، نقش مهمی در اثبات مسئولیت مدنی دارد. بر طبق قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ که می‌گوید: کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انتقالی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای معلولان همچون

افراد عادی فراهم گردد در می‌یابیم که هر گاه سازمان‌های مزبور از انجام وظیفه قانونی خود پیرامون مناسب نمودن و در دسترس قرار دادن ساختمان‌ها و اماکن فوق برای استفاده معلولان غفلت ورزند و از این حیث به معلولان و جانبازان، آسیبی وارد گردد می‌توان با استناد به ماده فوق، فعل زیان بار سازمان و نهاد مزبور را محرز و مسلم دانست (واحدشیرتری و حسنی، ۱۳۹۶، ۲۲۲).

۴-۸- خسارت وارده به معلولان

خسارت وارده به معلولان به سه دسته تقسیم می‌شود: خسارات مادی: مراد از ضرر مادی، هر کاستی و نقصانی است که بر مال یا حقوق مالی شخصی بر خلاف میل و اراده او توسط دیگری وارد شود. لازم به توضیح است ضرر مادی گاه ممکن است موجب آسیب رسیدن به اموال شخص گردد به نحوی که مال یا تلف شده یا دچار عیب و نقصان گردد. در خصوص مهم ترین مصادیق ضرر مادی در مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط زندگی معلولان باید اذعان داشت، هم چنان که ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز بیان داشته است، لطمه به جان یا سلامتی، در این نوع مسئولیت به وضوح تعیین کننده است و وجود این لطمه می‌تواند در انواع مختلفی جلوه گر شود. شخص نابینایی را می‌توان تصور نمود که به علت عدم گذاردن نرده در مقابل سطح مرتفع، به زمین خورده و به یکی از اموال وی به طور مثال رایانه قابل حمل اش آسیب برسد. جدا از این موارد، ممکن است آسیبی بدنی به شخص معلول وارد آید.

خسارت معنوی: مقصود از خسارت معنوی آسیب‌های روحی و روانی، درد و یا رنج یا زیان به آبروی اشخاص است که به طور محسوس و مادی در بیرون قابل احساس و درک نمی‌باشد. فرد معلول یا جانبازی که می‌داند با پای نهادن به کوچه و خیابان به استقبال خطرات متعددی از قبیل حرکت سیل آسای اتومبیل‌هایی که رانندگان آن‌ها هیچ توجهی به وضعیت خاص او ندارند، وجود حفره‌ها و حتی چاه‌های حفاظت نشده، عدم وجود سطوح شیب دار که او را می‌دارد که حتی اگر پای رفتن نیز داشته باشد به سختی پله‌های متعددی را طی کند، همه این‌ها موجب نگرانی و فشارهای فراوانی بر فرد معلول خواهد شد؛ گاه همراه با الفاظ و حرکاتی است که موجب تحقیر او شده و آسیب شدید عاطفی را به او وارد می‌کند، وی متحمل خسارات معنوی می‌شود. با توجه به آن چه گفته شد باید اذعان نمود در خصوص زیان‌های ناشی از عدم مناسب سازی محیط، پیدا نمودن مصادیقی که بتواند نشان دهنده زیان معنوی باشد آسان است و مهم ترین مواردی که می‌توان برای ضرر معنوی در خصوص زیان‌های فوق بیان نمود، لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی می‌باشد که شخص معلول و جانباز با از دست دادن موقعیت‌های اجتماعی به دلیل محرومیت از امکانات مختلف و نیز عدم امکان مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی با لحاظ وجود برخی موانع به خصوص در نحوه طراحی، معماری و شهرسازی بسیاری از فضاهای شهری، به ویژه معابر عمومی، پارک‌ها و فضاهای سبز با آن رو به رو می‌گردد. به هر

روی، نسبت به این که در اثر عدم مناسب‌سازی، فرد دچار معلولیت در معرض فشارهای روانی و عاطفی قرار می‌گیرد، نباید تردید کرد (واحدشیرتری و حسنی، ۱۳۹۶، ۲۲۳).

خسارت جسمانی: قانون مسئولیت مدنی که در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید، مطابق مواد ۶ و ۵، ۲، ۱ قانون مذکور در مواقع بروز صدمات بدنی، خسارت‌های وارده به شرح زیر که متوجه مجنی علیه شده باشد، قابل مطالبه بوده است: هزینه معالجه، خسارت از کارافتادگی، افزایش مخارج زندگی و خسارت معنوی. به عنوان مثال زمانی که جانبازی در اثر سهل‌انگاری یک اداره دولتی در عدم مناسب‌سازی راه پله‌ها و قابل دسترس نبودن آن برای افراد معلول دچار حادثه شده و علاوه بر خسارات جسمانی، دچار وحشت دائمی از راه پله شده و یا دچار سرخوردگی می‌گردد در این جا باید گفت که اساساً خسارات معنوی نه قابل اندازه‌گیری هستند و نه آن که به مانند خسارات مادی با پرداخت وجوهی قابل تدارک است، بلکه حاکم و قاضی چنانچه منشاء ورود خسارت معنوی را جانی بداند و عامل آن را بی‌مبالاتی وی تشخیص دهد، می‌تواند جهت تشفی خاطر مجنی علیه و اولیای وی از راه کارهایی مانند خسارت به فرد آسیب دیده توسط جانی و در صورت عدم توانایی پرداخت جانی از طریق صندوق مخصوصی جهت کمک دولت به افراد معلول استفاده کند، زیرا جایز نیست که در مورد این اشخاص تنها به پرداخت دیه بسنده نمود (واحدشیرتری و حسنی، ۱۳۹۶، ۲۹۵). یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین بشر حق تردد و آمد و شد است. افراد جانباز یا معلول نیز حق زندگی در این جهان را دارند. برای دستیابی به این مهم، انجام مناسب‌سازی منطقی حائز اهمیت فراوان است. کسانی که با زیر پا نهادن قوانینی که مناسب‌سازی منطقی را ضروری می‌دانند، امنیت تردد و حضور معلولان در جامعه را به مخاطره می‌افکنند، علاوه بر ضمانت اجراهای اداری یا کیفری، باید در صورت ایراد آسیب، آن را جبران کنند و خساراتی که به جانباز و معلول زیان دیده تعلق می‌گیرد هم شامل خسارت مادی است و هم معنوی (واحدشیرتری و حسنی، ۱۳۹۶، ۲۹۶).

نتیجه‌گیری

کشور جمهوری اسلامی ایران نوعی پیشگامی را در تصویب قانون جامع حقوق معلولان داشته؛ آن چه فقدان آن احساس می‌شود توجه جدی به مسئله اجرای این قانون می‌باشد و اساساً حقوق بدون نقش و تأثیر اصلاً حقوق نیست؛ حقوق این افراد با توجه به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ و قانون جامع در بیشتر مواقع رعایت نشده است یا اصلاً حقوق این افراد نادیده گرفته شده. هدف کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ صرفاً عضویت کشورها به این معاهده نبوده بلکه هدف اش این بود که دولت‌ها پس از قبولی معاهده به لحاظ نظام داخلی به گونه‌ای عمل کنند که تبعیض علیه معلولین رفع گردد؛ اما در کشورمان به ندرت شاهد چنین موردی هستیم. متأسفانه معلولیت در جامعه به گونه‌ای نمایانده شده که این گروه اجتماعی را به حاشیه رانده و تأثیرات مخربی بر

جایگاه اجتماعی آنان داشته تا حدی که گاه معلولیت به عنوان نقصی بزرگ قلمداد شده است. در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، حق اشتغال برای کلیه افراد صرف‌نظر از موقعیت جسمانی آن‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. دولت مکلف است فرصت‌های شغلی، حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی دستگاه‌های دولتی و عمومی را به افراد معلول اختصاص دهد. وضعیت در کشور ما چندان رضایت‌بخش نیست و نرخ بیکاری در میان معلولین تقریباً دو برابر بیشتر از افراد سالم جامعه است؛ پیشنهاد می‌شود مسئولین در برطرف کردن این مشکل که یکی از مهم‌ترین مسائل معلولین است قدمی بردارند تا این قشر از جامعه بتوانند همانند سایرین بدون هیچ‌گونه مشکل و دغدغه‌ای مشغول به کار شوند؛ زیرا این امر حق مسلم هر شخص است که شرایط مطلوبی برای کار داشته باشد؛ تا زمانی که در حوزه اشتغال برای معلولان شناخت درستی وجود نداشته باشد می‌توان گفت یا برنامه‌ریزی برای بسط و حمایت از این طیف وجود ندارد و یا برنامه‌ریزی‌ها اصولاً مبنا و پایه نادرست دارند. پس اگر این برنامه‌ریزی‌ها درست نباشند هیچ طرح و پروژه‌ای به مقصد نخواهد رسید. سازمان بهزیستی هنوز نتوانسته سیاست درستی در این مسیر پیش بگیرد و در این مسیر معلولین زیادی منزوی شده‌اند. توجه مسئولان و مدیران سازمان بهزیستی به عنوان نماینده دولت به هر یک از این موانع می‌تواند کمک قابل توجهی به این قشر باشد تا شاید بزرگ‌ترین مسئله آن‌ها که همانا کسب درآمد است حل شود و گامی در جهت بهبود وضعیت اشتغال این قشر باشد. بررسی وضعیت معلولین از جنبه‌های مختلف در ایران حاکی از وجود نابرابری‌های زیادی در برخورداری از شرایط زندگی معلولان می‌باشد و نشان‌دهنده عدم کفایت قوانین و مقررات با رویکرد حق‌مدارانه در حمایت از معلولین است؛ از این رو لازم است تدابیری جامع و فراگیر اندیشیده شود تا گذر از نگاه ترحم‌آمیز به رویکرد انسانی کرامت‌محور و از منظر انسانی برابر اتفاق افتد. عدم نابرابری ناتوانان در برابر قانون و نیز اعمال تبعیض نسبت به آنان در مورد دست‌یابی به حمایت‌های قانونی به طور دقیق، همان چیزی است که در سال‌های متمادی در مورد ناتوانان و معلولان از آن غفلت شده و به نوعی، این طیف از افراد جامعه را تنها به دلیل ناتوانی آنان در عزلت قرار داده و به حاشیه رانده است. در واقع آن‌ها با محرومیت‌هایی روبرو هستند، به عنوان مثال در فرآیند کیفی نیز از حمایت شایسته محروم مانده و چه بسا خود را قربانی دستگاه قضائی احساس می‌کنند. می‌توانیم قوانین خاصی در زمینه حقوق معلولین تدوین کنیم با به عبارت بهتر باید سیستمی طراحی شود که قاضی شخصاً از معلولین تحقیق کند؛ زیرا استماع شکایت توسط قاضی مهم است. در ایران می‌توانیم در جهت حمایت از این قشر قانون تعزیرات و آئین دادرسی کیفری، معلولیت جسمی و ذهنی و نیز جرایم مالی و غیرمالی معلولین را از همدیگر جدا کنیم و یا این که برای معلولان وکیل معاضدتی در نظر گرفت چون خیلی از معلولین به دلیل هزینه و مخارجی که باید برای شرایط جسمانی خود بپردازند توان پرداخت هزینه‌های مربوط به وکیل را ندارند که از این طریق می‌توان کمکی به این دسته از افراد نمود.

استیفای حقوق معلولین و توانمندسازی معلولان برای داشتن یک زندگی مستقل و مشارکت آن‌ها در تمام جنبه‌های زندگی، متوقف بر مناسب‌سازی است. افراد معلول در کشورهای در حال توسعه جهان به ویژه در کشور ما، از میزان بالای شیوع فقر و عدم دسترسی به فرصت‌های برابر اجتماعی و اقتصادی و به تبع آن، نامناسب بودن فضاهای شهری رنج می‌برند. در حوزه مبلمان شهری می‌توان کمبود بعضی از مبلمان‌ها، موقعیت، مکان‌یابی و توزیع نامناسب آن‌ها را ذکر نمود؛ این تجهیزات مشکلات زیادی را برای معلولان و جانبازان به وجود آورده‌اند. مقررات نسبتاً جامعی در خصوص مناسب‌سازی محیط‌های فیزیکی عمومی و فرهنگی از جمله آماده‌سازی مکان‌ها و ساختمان‌ها و وسایل نقلیه وجود دارد و تلاش‌ها باید در خصوص اجرای این مقررات متمرکز شود. با توجه به این که معضل مقوله مناسب‌سازی در ایران کمبود قوانین و مقررات و ضوابط مناسب‌سازی نیست، بنابراین جهت رفع معضل باید بیشتر به دنبال ریشه‌یابی علت‌های عدم اجرای این قوانین بود که در این خصوص نیز مواردی همچون نبود نهاد ملی برای نظارت بر اجرای کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶، عدم توجه دستگاه‌های فرهنگی به موضوع مناسب‌سازی و فرهنگ‌سازی در جامعه، نبود یک نقشه راه قابل اجرا و مصوب برای کلیه دست‌اندرکاران و گسستگی برنامه‌های مناسب‌سازی محیط در بین دستگاه‌های دولتی، ناآشنایی مهندسیین و مشاورین و عوامل ساخت و ساز فیزیکی جامعه و کم‌توجهی سازمان نظام مهندسی به موضوع می‌باشد.

منابع

فارسی

- ابراهیمی، شهرام و رؤفیان نائینی، حمید، ۱۳۹۴، جایگاه بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۷۲.
- امیری ابیانه، هوشنگ؛ علی یار زنجانی، منوچهر، ۱۳۸۱، بررسی و تعیین معیارها و استانداردهای فضاهای آموزشی و غیرآموزشی مربوط به معلولان جسمی و حرکتی، دوماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱۰ و ۱۱.
- برجیان، منصور و جغتایی، بهزاد، ۱۳۸۵، مناسب‌سازی در اماکن عمومی و تجاری (برای افراد دارای معلولیت)، چاپ اول، تهران، انتشارات فنون معاصر.
- بزی، خدارحم؛ کیانی، اکبر؛ افراسیابی‌راد، محمدصادق، ۱۳۸۹، ارزیابی ترافیک شهری و نیازهای معلولان و جانبازان با استفاده از مدل تصمیم‌گیری Topsis (مطالعه موردی: شهر شیراز)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۳.
- بیرانوندزاده، مریم؛ سبجانی، نوبخت؛ منصوری، محمدرضا؛ درویشی، هدایت اله، ۱۳۹۵، بررسی مناسب‌سازی فضاهای عمومی شهر کوهدشت جهت استفاده جانبازان و معلولان و ارائه راهکارهای بهینه‌سازی، فصلنامه معماری سبز، شماره ۵.

- بیگدلی، سعید و صحرانورد، ابودر، ۱۳۹۲، تعارض نقش دادستان و سازمان‌های غیرقضایی در حمایت از محجوران، **فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی**، شماره ۳.
- توسلی نائینی، منوچهر و کاویار، میرحسین، ۱۳۸۷، تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین‌المللی، **فصلنامه اندیشه‌های حقوق خصوصی**، شماره ۱۳.
- جانقربان، آزاده، ۱۳۸۹، **کنوانسیون حقوق معلولان از منظر حقوق بین‌الملل**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شهید اشرفی.
- حاجی تبارفیروزجائی، حسن، ۱۳۹۰، دلایل توجیهی حمایت افتراقی از بزه دیدگان آسیب پذیر در پرتو آموزه‌های علوم جنایی (با نگاهی به قوانین موضوعه ایران)، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)**، شماره ۱۶.
- حسین آبادی، امیر، ۱۳۸۵، بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۹.
- خوش اندام، محمد و میرقادری، جلیل، ۱۳۸۵، جرم و کم توانی ذهنی (نگاهی به قوانین جزایی و حقوقی در زمینه افراد کم توان ذهنی)، **دوماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی**، شماره ۶۰.
- دامغانی، مریم؛ عبدلی، غلامرضا؛ بهمن پور، هومن، ۱۳۹۶، بازشناسایی دیدگاه کارشناسان و فعالان محیط زیست نسبت به جایگاه حقوقی و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) محیط زیستی در کشور، **دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی**، شماره ۴.
- راسخ، محمد و شهبازی، خیرالله، ۱۳۹۳، ارزیابی مناسب سازی اماکن و حمل و نقل برای افراد دارای معلولیت در ایران و ژاپن، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۶.
- رحیم اف، کامران؛ نیک کار، امیررضا؛ خاکسار، حسن؛ ۱۳۹۰، معرفی، بررسی و ارزیابی ضرورت به کارگیری سیستم ناوبری حمل و نقل ویژه نابینایان در فضاهای شهری (مورد مطالعه: شهر تهران)، **فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک**، شماره ۲۲.
- رفیع زاده، ندا، ۱۳۹۵، واکاوی علل عدم مطلوبیت مناسب سازی‌های انجام شده در مسیرهای پیاده شهر تهران به منظور تسهیل تردد افراد دارای محدودیت حرکت، **فصلنامه معماری و شهرسازی آرمانشهر**، شماره ۱۷.
- رضانی قوام آبادی، محمدحسین، ۱۳۹۰، حمایت از معلولین در حقوق بین‌الملل، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۴۱.
- سرور، رحیم؛ محمدی حمیدی، سمیه؛ ولی خانی، اژدر، ۱۳۹۳، تحلیل وضعیت فضاهای عمومی شهری برای معلولین و کم توانهای حرکتی؛ نمونه مورد مطالعه: میدان دوم صادقیه (تهران)، **فصلنامه جغرافیا**، شماره ۴۱.
- سلطان پور، طه، ۱۳۹۴، **مناسب‌سازی فضای شهری برای معلولین جسمی-حرکتی؛ نمونه مورد مطالعه: خیابان هفده شهریور تبریز**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی-طراحی شهری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.

- سلطانی کوهبنانی، سکینه و غلامی، نبی اله، ۱۳۹۷، نگرشی اخلاقی - حقوقی به جایگاه اصل برابری در حقوق کودکان با نیازهای ویژه، **فصلنامه اخلاق زیستی**، شماره ۲۷.
- سلیمیان، ابوالفضل؛ صدیقیان، عبدالله؛ ساجدی، امراالله؛ ۱۳۹۲، حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران، **دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۵.
- سماواتی پیروز، امیر، ۱۳۸۴، ناتوانان بزه دیده؛ از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۲ و ۵۳.
- سیفی، غلامعلی، زینالی، امیرحمزه، ۱۳۸۶، جایگاه سالمندی در نظام حقوق مدنی ایران، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۲۶.
- شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر؛ گنجی پور، محمود، ۱۳۹۵، بررسی مناسب سازی فضاهای شهری جهت دسترسی معلولین و جانبازان نمونه موردی: ادارات دولتی شهر کاشان، **فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا**، شماره ۲۲.
- شفیع، محمدسعید و شفیع، شیرین، ۱۳۹۵، حمایت‌های قضایی و حقوقی از معلولین در نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی، **فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه**، شماره ۴/۲.
- شکوری، علی و شاهمرادی، فرزانه، ۱۳۸۴، مطالعه دسترس‌پذیری فضاها و تسهیلات شهری در تجربه زیسته افراد با آسیب بینایی شهر تهران، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۵۸.
- صفایی، سیدحسین، ۱۳۷۸، قیمومت شخص حقوقی و قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۴۶، شماره پیاپی ۸۴۳.
- طباطبائی، سیداحمد و نوری نشاط، سعید، ۱۳۸۸، تعهدات جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق فرهنگی افراد معلول، **فصلنامه حقوق خصوصی**، شماره ۱۵.
- ظهیری نیا، مصطفی، ۱۳۹۵، بررسی پیامدهای فردی و اجتماعی معلولیت، **دوفصلنامه پژوهشنامه فرهنگی هرمزگان**، شماره ۱ و ۲.
- عبدالله زاده فرد، علیرضا؛ سرورزاده، سیدکوروش؛ اژدری، نرگس، ۱۳۹۵، مناسب‌سازی پیاده‌راه‌ها و تجهیزات شهری برای جانبازان و معلولان، **مجله طب جانباز**، شماره ۳۳.
- عیسی لو، شهاب‌الدین؛ جمعه پور، محمود؛ خاکساری رفسنجانی، علی، ۱۳۹۴، نیازها و مشکلات سالمندان در فضای شهری مورد شناسی: (خیابان‌های بخش مرکزی شهر قم)، **فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی**، شماره ۶.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، ۱۳۸۸، حقوق بشر در جهان معاصر: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- کمانرودی کجوری، موسی، ۱۳۸۹، آسیب شناسی ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران با تاکید بر مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان، **دوفصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۲۵.

- کمالی، محمد، ۱۳۸۶، رسانه و ناتوانی (معلولیت)، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۴۹.
- گرجی ازندیانی، علی‌اکبر و شیرزاد نظری، زهرا، ۱۳۹۷، جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، شماره ۲۶.
- مقامی، امیر و امیرشاکرمی، مریم سادات، ۱۳۹۷، حق تفریح و فراغت اشخاص دارای معلولیت در پرتو اسناد بین‌المللی، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۷.
- ملاشاهی، حسین؛ ابراهیم‌زاده، عیسی؛ شهرکی، عبدالعزیز، ۱۳۹۶، مخاطرات ناشی از عدم تناسب ساختمان‌های عمومی شهرها با نیاز جانبازان، **فصلنامه جغرافیا**، شماره ۵۴.
- واحدشیرتری، مصطفی و حسنی، علیرضا، ۱۳۹۶، تحلیل حقوق نقش مناسب سازی محیط در زندگی معلولان و جانبازان و مسئولیت مدنی ناشی از آن، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۴۹.

قوانین، آئین نامه ها و کنوانسیون

- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون جامع حمایت از افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۸۳
- قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳
- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- آئین نامه ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای معلولین جسمی و حرکتی مصوب ۱۳۶۸
- آئین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (تصویب نامه شماره ۲۳۹۴۲ هـ - مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ هیئت وزیران)
- آیین نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق معلولان (تصویب‌نامه شماره ۱۵۱۴/۱۰/۵۶۰۶۷ هـ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۴ هیئت وزیران)
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶

لاتین

- description of the UN declaration article 7, the United Nations.
- European comission, 2017, access city award.
- European commission, 2013, access city award.